

امامت، تداوم رسالت

مسلمانان، در هر عصر و زمانی که زندگی می‌کنند، باید در کارهای خود فرمانبردار خداوند، پیامبر ﷺ و ولی امر باشند و اگر در زندگی اجتماعی خود به اختلاف و کشمکش دچار شدند، باید اختلاف خود را نزد خدا و رسول برند و این نشانه ایمان آنها به خدا و رسول است. اما اگر به طاغوت مراجعه کنند و حل مشکلات خود را از او بخواهند، شیطان آنها را فریفته و گمراه شده‌اند.^۱ از آنجا که رسول خدا ﷺ، خاتم پیامبران بوده‌اند، این سؤالات مطرح می‌شود که :

برای اجرای دستورات قرآن کریم، طرح و برنامه خداوند برای جامعه اسلامی، پس از رسول خدا ﷺ چیست؟
خداوند چه کسانی را اُولُو الْأَمْرِ معرفی کرده است؟
و جامعه برای رهایی از گمراهی، در چه مسیری و چگونه باید حرکت کند؟

۱- برگرفته شده از آیات ۵۹ و ۶۰ سوره نساء.



مسئولیت‌های رسول خدا ﷺ و ضرورت تداوم آنها

در درس قبل با مسئولیت‌های سه گانه رسول خدا آشنا شدیم.

(۱) دریافت و ابلاغ وحی

(۲) تعلیم و تبیین معارف اسلام

(۳) ولایت ظاهری

برای درک وجود یا عدم وجود طرح و برنامه الهی در دوره پس از رسول خدا ﷺ، ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که :
کدام یک از مسئولیت‌های پیامبر ﷺ با رحلت ایشان پایان می‌پذیرد و کدام یک باید ادامه یابد؟

اندیشه

نظر شما درباره مسئولیت نخست؛ یعنی «دریافت و ابلاغ وحی» چیست؟ آیا بشر نیازمند کتاب جدید است؟ چرا؟

.....
.....

در میان مسئولیت‌های سه گانه رسول خدا، مسئولیت اول، یعنی دریافت و ابلاغ وحی به مردم، با ختم نبوت پایان می‌پذیرد زیرا با وجود «کتاب الهی» در میان مردم و محفوظ ماندن آن از تحریف و دگرگونی، دیگر به ارسال وحی و کتاب جدید نیازی نیست.
اکنون به دو مسئولیت دیگر می‌پردازیم: پس از ایشان «تعلیم و تبیین دین» و «ولایت ظاهری»، چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟

در این زمینه سه فرض مطرح است :

اول : قرآن کریم و پیامبر اکرم ﷺ در این باره سکوت کرده‌اند؛

دوم : همچون مسئولیت اول، پایان این دو مسئولیت را نیز اعلام نموده‌اند؛

سوم : با تعیین جانشین، دو مسئولیت «تعلیم و تبیین دین» و «ولایت و حکومت» را بر عهده وی قرار داده‌اند.

بطان فرض اول روشن است؛ زیرا قرآن کریم، هدایتگر مردم در همه امور زندگی است و ممکن نیست نسبت به این دو مسئولیت مهم، که به شدت در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیرگذار است بی تفاوت باشد. همچنین پیامبر اکرم ﷺ آگاه‌ترین مردم نسبت به اهمیت و جایگاه این مسئولیت‌هاست و نمی‌تواند از کنار چنین مسئله مهمی با سکوت و بی‌توجهی بگذرد. در حقیقت، بی‌توجهی به این مسئله بزرگ، خود دلیلی بر نقص دین اسلام است؛ و این در حالی است که دین اسلام کامل‌ترین دین الهی است.

فرض دوم نیز صحیح نیست. زیرا نیاز جامعه به حکومت و تعلیم و تبیین دین، پس از رسول خدا ﷺ نه تنها از بین نرفت، بلکه افزایش هم یافت. زیرا گسترش اسلام در نقاط دیگر، ظهور مکاتب و فرقه‌های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت و نیاز به امام و رهبری که در میان انبوه افکار و عقاید، حقیقت را به مردم نشان دهد و جامعه را آن‌گونه که پیامبر اداره می‌کرد، اداره نماید، افزون‌تر می‌شد.

علاوه بر اینکه اصولاً حکومت و اداره جامعه و تعلیم و تبیین دین، امری تمام شدنی و پایان‌پذیر نیست و همواره جامعه نیازمند حاکم و معلمی است که بتواند راه رسول خدا را ادامه دهد و احکام اسلام را اجرا نماید.

بنابراین، فرض سوم، منطقی و قابل قبول است. یعنی طرح و برنامه مشخصی برای دوره پس از رسول خدا ﷺ مشخص شده است. در این برنامه، رسول اکرم ﷺ، به فرمان خداوند، به تداوم تعلیم و تبیین دین و دوام حکومت پس از خود در شکل «امامت» فرمان داده و مانع تعطیلی این دو مسئولیت شده است. بر این اساس، نبوت ختم شده اما هدایت ادامه یافته است.



اکنون که نیاز به امام پس از رسول خدا ﷺ روشن شد، این سؤال پیش می‌آید که چه کسی امام را معین و معرفی می‌کند؟ آیا ما انسان‌ها می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ چرا؟

امامت در قرآن

با تدبّر در آیات درمی‌یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) را به جانشینی رسول خدا ﷺ و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده است. در اینجا به برخی از آیات و شأن نزول آنها می‌پردازیم.

۱ آیه انذار: حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر ﷺ آمد:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

خویشان نزدیک خود را انداز کن.^۱

برای انجام این دستور، رسول خدا ﷺ چهل نفر از بزرگان بنی‌هاشم را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به دین اسلام دعوت کرد. همه مهمانان سکوت کردند و جوابی ندادند. در میان سکوت آنان، علی بن ابی طالب (ع) که در آن زمان نوجوانی بیش نبود، برخاست و گفت:

«من یار و یاور تو خواهم بود، ای رسول خدا».

درخواست پیامبر ﷺ، سه بار مطرح شد و هر بار همه سکوت کردند و تنها علی (ع) قاطعانه اعلام آمادگی و وفاداری کرد. پس از آن، پیامبر ﷺ دست ایشان را در دست گرفت، بیعت ایشان را پذیرفت و به مهمانان فرمود:

«همانا این، برادر من، وصی من و جانشین من در میان شما خواهد بود».^۲

۱- سورة شعراء، آیه ۲۱۴.

۲- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۲ ص ۶۲ و ۶۳؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۹۷ و تاریخ پیامبر اسلام از دکتر محمد آیتی. برای مطالعه کامل داستان، به کتاب سلام بر خورشید از سید علی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۷۱ مراجعه کنید.



چرا پیامبر ﷺ در شرایطی که هنوز موقعیتی کسب نکرده بود و حتی خویشانش نیز دعوت او را نپذیرفته بودند، جانشین خود را معین کرد؟ انجام این کار در ابتدای دعوت، به چه معناست؟

.....

۲ آیه ولایت: در یکی از روزها، نزدیک ظهر، فرشته وحی از جانب خداوند آیه‌ای بر پیامبر ﷺ نازل کرد که در آن ویژگی‌های ولی و سرپرست مسلمانان مشخص شده بود:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 هَمَانَا وَلِي شَمَا خَدَاوَنَد و رَسُوْل اوست
 وَ الَّذِينَ آمَنُوا
 و مؤمنانی که
 الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
 نماز را بر پا می‌دارند
 وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ
 و در حال رکوع زکات می‌دهند.

سوره مائده، آیه ۵۵

با نزول این آیه، رسول خدا ﷺ دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده و خداوند قصد معرفی او را دارد، با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید:

چه کسی در حال رکوع صدقه داده است؟

فقیری که انگستری در دست داشت، به حضرت علی (ع) که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:

آری، این مرد در حال رکوع، انگستری خود را به من بخشید.

مردم که از محتوای آیه با خبر شده بودند، تکبیر گفتند و رسول خدا ﷺ نیز، ستایش و سپاس خداوند را بجا آورد.

نزول این آیه در چنین شرایطی و اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن بود که مردم به چشم ببینند و از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله بشنوند و امکان مخفی کردن آن نباشد.^۱

۳ آیه اطاعت : در یکی از روزها، در مدینه، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و آیه ۵۹ سوره نساء را بر ایشان خواند که قسمتی از آن چنین است :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
أَطِيعُوا اللَّهَ
ای مؤمنان
از خدا اطاعت کنید

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... و از رسول و ولی امرتان اطاعت کنید.

معمولاً وقتی آیه‌ای نازل می‌شد و حکم کلی یک موضوعی را بیان می‌فرمود، یاران نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌آمدند و جزئیات حکم را می‌پرسیدند. مثلاً وقتی که آیات نماز نازل شد، یاران می‌خواستند چگونگی نماز خواندن را بدانند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسجد آمد و به آنان فرمود : «این گونه که من نماز می‌خوانم، شما هم بخوانید».^۲ آن‌گاه نماز خواندن را به آنان تعلیم داد. وقتی این آیه هم نازل شد، جابر بن عبد الله انصاری نزد رسول خدا آمد و گفت : «یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناخته‌ایم. لازم است «اولی الامر» را هم بشناسیم».

۱- بیشتر مفسران و مورخان اهل سنت و شیعه، از جمله طبری، رازی، نعیمی، قشیری، خوارزمی، ابن حجر و ابن کثیر، این آیه را درباره امام علی علیه السلام دانسته‌اند. برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتاب الغدير از علامه امینی، ج ۲، ص ۱۵۶ مراجعه کنید.

۲- برخی گفته‌اند «ولی» به معنای محب و یاور بودن است بدیهی است که واژه «ولی» در آیه ولایت به معنی سرپرست و زعيم است نه به معنی محب و یاور؛ زیرا محب‌ها و یاورهای اهل ایمان، منحصر در این افراد نیست و هر انسان مؤمنی محب و یاور انسان‌های مؤمن دیگر است. علاوه بر اینکه این حق سرپرستی است که جز ایمان دلیل خاص می‌خواهد، اما دوست داشتن و یآوری کردن، جز ایمان دلیل دیگری نمی‌خواهد، ولی در این آیه سه شرط دیگر غیر از ایمان نیز بیان شده است که روشن می‌کند مراد از ولی در اینجا چیزی غیر از دوست و یاور است و آن چیزی جز زعيم و رهبر و فرمانروا نیست.

۳- نجاری، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۸۶، ص ۹.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«ای جابر، آنان جانشینان من و امامان بعد از من اند. نخستین آنان علی بن ابی طالب است و سپس به ترتیب: حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی؛ و تو در هنگام پیری او را خواهی دید و هر وقت او را دیدی، سلام مرا به او برسان. پس از محمد بن علی به ترتیب، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و پس از ایشان فرزندش می باشد که هم نام و هم کنیه من است.^۱ اوست که از نظر مردم پنهان می شود و غیب او طولانی می گردد تا آنجا که فقط افرادی که ایمان راسخ دارند، بر عقیده به او باقی می مانند».^۲

اندیشه

- با تفکر در آیه ۵۹ سوره نساء و حدیث جابر، پیام های زیر را تکمیل کنید.
- (۱) مسلمانان باید از ، و اطاعت کنند.
- (۲) از آنجا که این سه اطاعت در کنار هم قرار گرفته اند؛ سرپیچی از هر مورد است.
- (۳) از آنجا که مصداق در آیه مشخص نشده، برای آگاهی مردم و اشتباه نکردن آنها لازم است که رسول خدا
- (۴) بنا بر سخن پیامبر اکرم ﷺ کسانی که مصداق هستند، عبارت اند از:

۱- در فرهنگ و آداب و رسوم عرب برای افراد علاوه بر اسم، لقب و کنیه می گذارند و برای احترام، شخص را با کنیه و یا لقب صدا می زنند. کنیه پیامبر «ابوالقاسم» و لقب ایشان «امین» است.

۲- خزاز قمی رازی، علی بن محمد، کفایه الاثر، ص ۸؛ قندورزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ص ۴۹۴؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۲۳.

۲ آیه تبلیغ: پیامبر گرامی اسلام در سال دهم هجرت عازم مکه شد تا فریضه حج را بجا آورد. این حج که در آخرین سال زندگی ایشان^۱ برگزار شد، به «حَجَّةُ الْبَلَاغِ»^۲ و «حَجَّةُ الْوَدَاعِ» مشهور است. در این حج، حدود ۱۲۰ هزار نفر شرکت کرده بودند تا روش انجام دادن اعمال حج را از ایشان فراگیرند و حج را با ایشان بجا آورند. پس از برگزاری حج و در مسیر بازگشت به مدینه در روز هجدهم ماه ذی الحجه، در محلی به نام غدیر خم^۳ این آیه نازل شد:

یا أَيُّهَا الرَّسُولُ	ای رسول
بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ	آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده برسان،
وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ	و اگر چنین نکنی
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ	رسالت او را به انجام نرسانده ای
وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ	و خداوند تو را از مردمان حفظ می کند
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ	خداوند کافرین را هدایت نمی کند.

سوره مائده، آیه ۶۷

تدبر

- در آیه تبلیغ، تدبر کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید.
- ۱) خداوند چه فرمانی به پیامبر ﷺ می دهد؟
 - ۲) اهمیت این فرمان چقدر است؟
 - ۳) چرا خداوند به پیامبر اکرم ﷺ وعده می دهد که او را حفظ خواهد کرد؟

۱- واقعه غدیر ۷۰ روز قبل از وفات پیامبر اتفاق افتاد.

۲- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۰۳ و امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۱، ص ۳۱.

۳- غدیر به معنای برکه آب، و حُم نام محل تلاقی راه های مدینه، عراق، شام و مصر بود و کاروانیان در آنجا به هم می رسیدند یا از هم جدا می شدند.

بعد از نزول این آیه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد همه توقف کنند تا بازماندگان برسند و آنان که پیش رفته‌اند، برگردند. ظهر شده بود؛ ابتدا نماز را به‌جا آوردند و سپس، پیامبر در یک سخنرانی مهم و مفصل با مردم سخن گفت و آنان را برای دریافت آن پیام بزرگ آماده کرد. در اینجا از مردم پرسید:

مَنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ ای مردم چه کسی به مؤمنان
مِنْ أَنْفُسِهِمْ از خودشان سزاوارتر است؟

گفتند: خدا و پیامبرش بر ما ولایت و سرپرستی دارند.
سپس فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ هر کس که من ولی و سرپرست اویم،
فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ علی نیز ولی و سرپرست اوست.

و این جمله را سه بار تکرار کرد.
در پایان سخنرانی نیز از حاضران خواست که مطالب گفته شده را به غایبان برسانند. پس از آن، مردم برای عرض تبریک و شادباش به سوی امام آمدند و با وی بیعت کردند.

اندیشه

- درباره واقعه بزرگ غدیر بیندیشید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:
- (الف) چرا مراسم غدیر هم‌زمان با بزرگ‌ترین اجتماع مسلمانان برگزار شد؟
- (ب) چرا خداوند انجام ندادن این مأموریت را مساوی با عدم انجام رسالت اعلام کرد؟
- (ج) تبریک و تهنیت مردم به حضرت علی علیه السلام پس از پایان مراسم نشانه چیست؟
- (د) چرا کلمه «مولی» در حدیث غدیر به معنای سرپرست است، نه دوست؟

سخنان پیامبر ﷺ در این واقعه از جهت سلسلهٔ راویان حدیث، چنان محکم است که شاید کمتر حدیثی مانند آن وجود داشته باشد. صد و ده نفر از اصحاب پیامبر که در غدیر حاضر بوده‌اند؛ آن را بی‌هیچ واسطه‌ای از پیامبر نقل کرده‌اند. دانشمندان و تاریخ‌نویسان و مفسران بزرگ جهان اسلام نیز این واقعه را با مدارک زیاد در کتاب‌های خود آورده‌اند که نام ۳۵۰ نفر از آنها در کتاب «الغدیر»^۱ آمده است.

اگرچه تا سال‌ها بعد از رحلت پیامبر ﷺ، زمامداری مسلمین به امام علی علیه السلام نرسید و واقعهٔ عظیم غدیر نادیده گرفته شد، اما چگونگی برگزاری این مراسم و سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روشنگر بسیاری از اتفاقات پس از ایشان است.

اندیشه

بحث جایگزینی امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان ایشان در احادیث نیز آمده و شما با آنها آشنا هستید. مهم‌ترین این احادیث «حدیث منزلت» و «حدیث ثقلین» می‌باشد. ابتدا این احادیث را بنویسید سپس برداشت‌های خود را از آنها یادداشت نمایید.

الف) حدیث ثقلین :

.....

.....

.....

.....

برداشت‌ها از حدیث ثقلین :

- (۱)
-
- (۲)
-

۱- الغدیر نام مجموعهٔ گران‌بهای در اثبات واقعهٔ غدیر است که دانشمند عالی‌قدر شیعه در عصر حاضر - علامه امینی - آن را در یازده جلد به زبان عربی نوشته است و خلاصهٔ آن به فارسی در یک جلد ترجمه شده است.

و يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا

و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد^۱

سوره احزاب: آیه ۳۳

با تفکر در این آیه در می یابیم که :

۱ این آیه هرگونه گناه و پلیدی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام دور می داند و آنان را معصوم از گناه و پلیدی معرفی می کند. (در سخنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان بعدی هم جزء اهل بیت شمرده شده اند.) بنابراین سخن و عمل آنان مطابق با دین و بیان کننده دستورات الهی است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اگرچه عهده دار امامت نبوده، اما دارای علم و عصمت کامل است و پیروی از کلام و رفتار وی بر همه مسلمانان واجب و سرچشمه هدایت و رستگاری است.

۲ این آیه، تعداد خاصی از خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله را در بر می گیرد که دارای مقام عصمت هستند. یعنی در اینجا افراد خاصی از اهل بیت مورد نظر است و شامل همه نمی شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آگاهی مردم از این موضوع، مدت ها هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و اهل خانه را «اهل بیت» صدا می زد و آیه تطهیر را می خواند.^۲

۱- مقصود از پلیدی و ناپاکی در این آیه، گناه و آلودگی اخلاقی است.

۲- کتاب های بزرگ اهل سنت، مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، صحیح بخاری، مسند احمد بن حنبل، سنن بیهقی، الدر المنثور سیوطی و أسد الغابة ابن اثیر، آیه تطهیر را در حق همین پنج تن نقل کرده اند (بحرانی، هاشم بن سلیمان، غایة المرام، ص ۲۸۱).

تعمیق یادگیری

۱ دلیل بیاورید.

الف) وجود امام پس از پیامبر ﷺ امری ضروری است.

ب) تعیین امام، تنها می‌تواند از طریق خداوند صورت بگیرد.

ج) پیروی از حضرت زهرا علیها السلام بر همه مسلمانان واجب است.

۲ چه ارتباطی بین حدیث غدیر و آیه تطهیر وجود دارد؟

۳ صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید.

الف) امامان معصوم علیهم السلام همه نقش‌ها و مسئولیت‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به درستی انجام می‌دادند.

ب) آیه ولایت، اثبات‌کننده امامت حضرت علی علیه السلام و سایر امامان است.

۴ شخصی می‌گوید «قرآن کریم درباره مسئولیت‌های تعلیم و تبیین دین و ولایت و

حکومت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، سکوت کرده است»؛ با او موافقت یا خیر؟ چرا؟

۵ فردی می‌گوید «از آنجا که قرآن، کتاب هدایت انسان‌ها در همه زمان‌هاست، وجود

آن برای هدایت کافی است و دیگر نیازی به وجود امام نمی‌باشد»؛ پاسخ او را چگونه می‌دهید؟

هم‌اندیشی

اعتقاد به «امامت» اصلی‌ترین تفاوت ما با برخی مسلمانان است، چگونه می‌توان ضمن حفظ این اعتقاد، به وحدت که با حیات و عزت مسلمانان پیوند دارد، دست یافت؟

تحقیق کنید

با مراجعه به کتب تفسیری نشانه‌هایی که محدود بودن آیه تطهیر به حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را نشان می‌دهد پیدا کرده و به کلاس ارائه دهید؟

نقش امامان در احیای دین

در درس قبل با ضرورت وجود امام پس از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله آشنا شدیم. همچنین با توجه به آیات و روایات، امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله را شناختیم.

اما همان گونه که می دانید پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، حوادثی رخ داد که رهبری امت از مسیر پیش بینی شده ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن فرمان داده بود خارج گردید^۱ و در نتیجه نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت.

این امر سبب شد که جامعه اسلامی با مشکلات و مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعددی روبه رو شود. مسائلی نظیر تحریف در اندیشه های اسلامی، ممنوعیت نوشتن و تدوین حدیث، ظهور شخصیت ها و الگوهای غیر قابل اعتماد، تبدیل شدن حکومت اسلامی به سلطنت. این در حالی بود که سرزمین های اسلامی گسترش یافته بود.

اکنون این سؤال مطرح می شود که :

با توجه به شرایط مذکور، امامان مسئولیت های خود را به چه شکلی انجام می دادند؟

۱- در کتاب تاریخ اسلام (۱) با مشکلات و آسیب هایی که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش آمد، آشنا شدید.

امامان علیهم السلام در شرایط سخت و پیچیده پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حرکتی مستمر و طولانی به مدت ۲۵۰ سال (۱۱ تا ۲۶۰ هجری) به شکل‌های گوناگون تلاش کردند تا از مسخ و تحریف اسلام جلوگیری نمایند و مردم را از تاریکی و ظلمتی که طاغوت‌های جدید پدید آورده بودند به درآورند و به روشنایی و نور برسانند و حقیقت اسلام را به گونه‌ای برای جویندگان هویدا نمایند که راه حق از باطل قابل تشخیص باشد.

عملکرد امامان در این دوره را در قالب مسئولیت‌های ایشان بررسی می‌کنیم :

الف) اقدامات مربوط به مرجعیت علمی

مرجعیت علمی امامان در امور زیر نمود دارد :

۱) تعلیم و تبیین معارف اسلام

■ حفظ و گسترش سخنان و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله : می‌دانیم که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشتن سخنان ایشان ممنوع شد و این ممنوعیت، آثار زیان‌باری برای مسلمانان داشت. در این دوره، امیرالمؤمنین و اهل بیت پیامبر علیهم السلام با علم و آگاهی اصیل و کاملی که نسبت به دین الهی و منبع وحی یعنی قرآن و سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله داشتند، به این ممنوعیت توجه نکردند و سخنان پیامبر را به فرزندان و یاران خود می‌آموختند و از آنان می‌خواستند که این آموزش‌ها را به نسل‌های بعد از خود منتقل کنند؛ آنان همچنین می‌کوشیدند نشان دهند که این آموزش‌ها از پیامبر صلی الله علیه و آله است.

حدیث «سلسلة الذهب» نمونه‌ای از حفظ و گسترش سخنان پیامبر است. در این حدیث امام رضا علیه السلام می‌فرماید :

«من از پدرم، امام کاظم علیه السلام شنیدم و ایشان از پدرش، امام صادق علیه السلام و ایشان از پدرش، امام باقر علیه السلام و ایشان از پدرش، امام سجاد علیه السلام و ایشان از پدرش، امام حسین علیه السلام و ایشان از پدرش، امام علی علیه السلام و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که فرمود، خداوند می‌فرماید :

كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي»

کلمه لا اله الا الله قلعه محکم من است و هر کس به این قلعه محکم من وارد شود، از عذاب من در امان می‌ماند.

پس از اندکی درنگ، امام فرمود :

«شُرُوطها و اَنَا مِنْ شُرُوطها : اَمَّا به شرطهای آن، و مِنْ از شرطهای آن هستم»^۱.

مقصود امام (علیه السلام) این بود که توحید تنها یک لفظ و شعار نیست، بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است. بی تردید با دقت در سلسله سند این روایت، چرایی نامیده شدن این روایت به «سلسله الذهب» را فهمیده اید.

■ پاسخ به نیازهای جدید : با گسترش سرزمین‌های اسلامی، سؤال‌های مختلفی در زمینه‌های احکام، اخلاق، افکار و نظام کشورداری پدید آمد. ائمه اطهار (علیهم السلام) با تکیه بر علم الهی خود، به دور از انزوا و گوشه‌گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره همه این مسائل اظهارنظر می‌کردند و مسلمانان را از معارف خود بهره‌مند می‌ساختند. ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب‌های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) در کنار سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و قرآن کریم است. در میان این کتاب‌ها می‌توان از نهج البلاغه که بخش‌هایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات امام علی (علیه السلام) است، کتاب «غرر الحکم و دُرر الکَلِم» شامل یازده‌هزار سخن کوتاه از آن امام و کتاب «صحیفه سجّادیه» از امام سجّاد (علیه السلام)، نام برد. علاوه بر این، دانشمندان اسلامی و راویان حدیث، سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) را در مجموعه‌هایی گرد آوردند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از : «کافی» از مرحوم کلینی، «من لایحضره الفقیه» از شیخ صدوق، «التهذیب» و «الاستبصار» از شیخ طوسی. به این چهار کتاب، «کتب اربعه» می‌گویند.

■ مبارزه با اندیشه‌های انحرافی : علاوه بر ممنوعیت تدوین حدیث، حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عبّاس اغلب به اندیشه‌هایی میدان می‌دادند که به نفع آنان بود و قدرت آنان را تقویت می‌کرد. برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودی و مسیحی) مانند کعب‌الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از این موقعیت استفاده می‌کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان می‌پرداختند. برخی از دنیا‌دوستان برای نزدیکی به این حاکمان در مساجد می‌نشستند و داستان‌های خرافی درباره پیامبران برای مردم نقل می‌کردند.

در این شرایط، امامان معصوم به تناسب امکانات و شرایط در هر فرصتی که به‌دست می‌آوردند، معارف اسلام و کتاب آسمانی را بیان می‌کردند و رهنمودهای آن را آشکار

۱- شیخ صدوق، أُمّالی، ص ۲۳۵.

می‌ساختند. در نتیجه این اقدام، مشتاقان معارف اسلامی، حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند، توانستند از احکام و معارف دین بهره ببرند و به حقایق آن دست یابند.^۱ نمونه‌های فراوانی از تفسیرهای ناروای افراد فاقد صلاحیت و اقدامات روشنگرانه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در تاریخ نقل شده است که به یک مورد آنها، اشاره می‌کنیم:

در زمان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) گروهی پیدا شدند که فکر می‌کردند خداوند جسم دارد. آنان برای اثبات اندیشه خود از بعضی عبارات قرآن نظیر «يُدَّاللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۲ «دست خداوند بالای دست‌هایشان است» کمک می‌گرفتند.

امامان بزرگوار توضیح می‌دادند که آیات قرآن را با آیه‌های دیگر باید تفسیر کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ^۳

هیچ چیزی مانند او [خدا] نیست.

پس نمی‌توان دستی مانند دست انسان برای خدا تصوّر کرد. در عربی، «ید» علاوه بر دست، به معنای قدرت هم به کار می‌رود. بنابراین، تفسیر آیه این است که قدرت خداوند از همه قدرت‌ها برتر است.

■ تبیین و تبلیغ عملی ارزش‌های اسلامی: پس از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به تدریج ارزش‌های معنوی اسلام از میان مردم رخت بر بست و جای خود را به هوسرانی و دنیا زدگی داد. حتی اغلب علما و دانشمندان نیز جذب دنیاپرستی و فساد سیاسی شدند. در چنین شرایطی، حضور هریک از امامان معصوم با معنویت فوق‌العاده خود که سیمای جذاب پیامبر را بعد از گذشت سال‌ها به مردم نشان می‌داد، چون نوری بود در دل شب تیره و ظلمانی. حضور آنان در اجتماع آن زمان سبب می‌شد که مردم تجسم ارزش‌های والای اسلام را در وجود آنان ببینند و آن را با آنچه از سوی دستگاه سیاسی جامعه به عنوان اسلام معرفی می‌شد مقایسه کنند و این حقیقت را به روشنی دریابند که آنچه در جامعه به نام اسلام در جریان است، اسلام واقعی نیست.

۱- به عنوان نمونه به اشخاصی همچون نوفلی و سکونی می‌توان اشاره کرد که با وجود آنکه پیرو مکتب خلفا بوده و شیعه

نبوده‌اند، شاگرد امام صادق (علیه‌السلام) بوده و از ایشان نقل روایت کرده‌اند.

۲- سوره فتح، آیه ۱۰.

۳- سوره شوری، آیه ۱۱.

بلکه انحراف از اسلام است. بر همین اساس بود که دستگاه خلافت همواره سعی می‌کرد تا به وسایل مختلف، مردم را از امام منصرف یا امام را از مردم دور نگه دارد و اگر هیچ‌یک از آنها میسر نمی‌شد به قتل امام مبادرت می‌کرد زیرا عملاً می‌دید که وجود و حضور امام، حتی اگر دست به هیچ قیامی نیز نمی‌زد، بذر انقلاب فکری و عقیدتی را در افکار عمومی جامعه می‌پاشد و پایه‌های حکومت جور را متزلزل می‌سازد.

حضور امام در جامعه در واقع تبلیغ عملی اسلام اصیل بود. مردم با دیدن شخصیت الهی آنان با جاذبه معنویت آشنا می‌شدند و عزت تقوا و عظمت ایمان را در وجود آنان لمس می‌کردند و این سبب می‌شد که در چنان شرایط نامساعد اجتماعی، اسلام به دست فراموشی سپرده نشود و نور معنویت در جامعه به کلی به خاموشی نگراید.

۲ تربیت شخصیت‌های اسلامی

یکی از اقدامات مهم ائمه اطهار علیهم‌السلام تربیت شاگردان و دانشمندان برجسته و بزرگ بود. آنان شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت کردند که در علم، ایمان، تقوا و جهاد در راه خدا سرآمد انسان‌های زمان خویش بودند و اندیشه‌های اسلام راستین را در میان مسلمانان گسترش دادند. این اقدام علاوه بر آنکه زمینه تعلیم دیگران توسط این شاگردان را فراهم می‌کرد به لحاظ تربیتی، اثر شگرفی در جامعه داشت؛ زیرا عموم مردم در اعتقادات و عمل، دنباله‌رو شخصیت‌های برجسته جامعه خود هستند و آنها را اسوه قرار می‌دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش‌های الهی باشند، مردم نیز می‌توانند از این کمالات و ارزش‌ها، بهره‌مند شوند و اگر آنها به سوی زشتی‌ها و بدی‌ها بروند، بیشتر مردم نیز از آنها دنباله‌روی خواهند کرد.

این درحالی بود که هرچه جامعه از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فاصله می‌گرفت، حاکمان وقت تلاش می‌کردند به جای شخصیت‌های اصیل اسلامی، افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه، جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم قرار بگیرند. این‌گونه شخصیت‌ها در دستگاه حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس صاحب موقعیت بودند و به شهرت رسیدند.

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری

هر امامی در زمان خود، مسئولیت داشت که با حاکمان زمان خود مبارزه کند.

تدبّر

آیه زیر را قرائت کنید :

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ
الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا^۱

«آیا ندیده‌ای کسانی را که گمان می‌برند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه
پیش از تو نازل شده، ایمان دارند، در حالی که می‌خواهند حکم طاغوت را
بپذیرند، با آنکه به آنان دستور داده شده که به طاغوت، کفر ورزند و شیطان
می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشانند».

الف) با دقت در معنای آیه بگوئید این آیه چگونه بر ضرورت مبارزه امامان با حاکمان
زمانشان دلالت می‌کند؟

.....
.....
.....
.....

ب) آیا دلیل دیگری که ضرورت مبارزه امامان معصوم با حاکمان زمان خودشان را
نشان دهد، می‌دانید؟

.....
.....
.....
.....

۱- سورة نساء، آیه ۶۰.

امامان بزرگوار در مبارزه با حاکمان، اصولی را رعایت می کردند :

۱) عدم تأیید حاکمان و معرفی خویش به عنوان امام بر حق : امامان علیهم السلام، هیچ یک از حاکمان غیرقانونی عصر خویش را به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تأیید نمی کردند و این عدم تأیید را به شیوه های مختلف به مردم اعلام می کردند. گرچه امامان تفاوت های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می گرفتند و اگر حاکمی طبق دستور اسلام عمل می کرد، عملش را تأیید می کردند، اما در غضب خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همه را یکسان می دیدند. از سوی دیگر، آن بزرگواران، همواره خود را به عنوان امام و جانشین بر حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می کردند؛ به گونه ای که مردم بدانند تنها آنها جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام بر حق جامعه اند. به طور مثال، امام رضا علیه السلام در بیان حدیث «سلسلة الذهب»، هم بر امامت خود تأکید کرد و هم به طور ضمنی غیرقانونی بودن حکومت مأمون را اعلام فرمود.^۱

امامان با توجه به همین اصل، یارانی را تربیت می کردند که در عین سخت گیری های حاکمان، با شجاعت و ایثار به مناطق مختلف می رفتند و برای پیشبرد اهداف ائمه تلاش می کردند و جایگاه امام را برای مردم توضیح می دادند.



۱- امام صادق علیه السلام در روز عرفه و در مراسم حج که جمعیت زیادی از مسلمانان از سراسر سرزمین های اسلامی حضور داشتند، در میان انبوه جمعیت، حق حکومت را از آن خود اعلام نمودند و فرمودند : «ای مردم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امام و رهبر بود، پس از او علی و سپس حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم السلام به ترتیب، امام بودند و اکنون من امام هستم». (کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۶۶).

۲) آگاهی بخشی به مردم : امامان معتقد بودند عامل اصلی حکومت جبّاران، جهل و ناآگاهی مردم است. از نظر آنها رشد و آگاهی مردم یک اصل اساسی بود و برای تحقّق آن حتّی از اِثَار جان و مال خود دریغ نداشتند و به شیوه‌های مختلف برای آگاهی بخشی به مردم می‌کوشیدند.

۳) انتخاب شیوه‌های درست مبارزه : امامان، شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی‌گزیدند؛ به گونه‌ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین – یعنی تشیع – باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان، به عنوان روش اسلام حقیقی، به نسل‌های آینده معرفی گردد. رفتار ائمه اطهار علیهم‌السلام در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا امامت امام عصر علیه‌السلام و غیبت ایشان، چنان به یکدیگر پیوسته و مکمل یکدیگر است که گویی یک انسان است که در این ۲۵۰ سال زندگی کرده و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی روش‌های مناسب را برمی‌گزیده و عمل می‌کرده است.^۱

۱- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله.

تعمیق یادگیری

- ۱ با دقت در سیره مبارزاتی ائمه علیهم السلام، بیان کنید که هریک از روش‌های زیر، شما را به یاد کدام امام معصوم می‌اندازد.
«دعا – صلح – تقیه – مبارزه مسلحانه و فعالیت‌های علمی و فرهنگی»
- ۲ چرایی استفاده از روش‌های متفاوت هریک از امامان را در مبارزه با حاکمان توضیح دهید.

هم‌اندیشی

اگر بخواهیم ائمه اطهار علیهم السلام را اسوه خود در زندگی سیاسی و اجتماعی قرار دهیم، مهم‌ترین درس‌های عملی این بزرگواران در شرایط فعلی برای ما کدام‌اند؟

تحقیق کنید

- الف) با مراجعه به کتاب‌های سیره معصومین، نام تعدادی از تربیت‌یافتگان و شاگردان معروف ائمه در رشته‌های مختلف را پیدا کنید و گزارش مختصری از ایشان به کلاس ارائه دهید.
- ب) نام تعدادی از شاگردان امام علیه السلام که ایشان را به عنوان امام علیه السلام قبول نداشته‌اند ولی از درس‌های ایشان بهره علمی می‌برده‌اند بیابید و به کلاس ارائه دهید.

وعدۀ بزرگ الهی

حس کنجکاوی و ویژگی آینده‌نگری و کمال‌جویی انسان، او را به شناخت گذشته، حال و آیندۀ خویش ترغیب می‌کند، و در اعماق جانش، عطش پایان‌ناپذیری را برای گشودن این رازهای سه‌گانه پدید می‌آورد.

او را برمی‌انگیزد تا از سویی به مطالعهٔ تاریخ پیشینیان دست یازد، و وقایع و حوادث نهفته در دل تاریخ را، با شیوه‌ها و اسلوب‌های ابتکاری و تجهیزات مدرن، کشف کند و زیر ذره‌بین تجزیه و تحلیل برد، تا ضمن شناخت گذشته و کسب آگاهی‌های سودمند، درس‌ها و تجربه‌های گرانبها و ارزشمندی را از طلوع و غروب و پیشرفت تمدن‌ها و فروپاشی جامعه‌ها برای ساختن جامعهٔ مطلوب فراگیرد، و از دگرسو، همین عوامل به علاوهٔ بیم و امید، انسان را به تفکر عمیق و کاوش پیگیر دربارهٔ آیندۀ وامی‌دارد.

آیا آیندۀ تاریخ، آینده‌ای است زیبا یا زشت؟ به هنجار و متعادل است، یا ناهنجار و کج و معوج؟ آیا آیندۀ تاریخ روشن و تماشایی است؟ یا تیره و غم‌بار؟ قرآن چه تصویری از آیندۀ بشر ارائه داده است؟

در این تصویر منجی بشر کیست؟

دیدگاه ادیان در این باره چیست؟

و



آینده تاریخ

با نگرشی دقیق بر تاریخ، به یک رویارویی همه جانبه میان دو جبهه و دو تشکل بزرگ و فراگیر در گذر زمان برمی خوریم که در چهره های گوناگون، از سپیده دم تاریخ تاکنون ادامه دارد؛ جبهه حق و باطل. انگیزه حق و باطل در درون انسان ها وجود دارد و به صورت خداپرستی یا خودپرستی، سودجویی یا عدالت خواهی و... تجلی یافته است. بر همین اساس وقتی به قرآن نگاه دقیقی می اندازیم با دو حزب روبه رو می شویم:

در جبهه و حزب نخست، پیامبران و پیشوایان نور و پیروان حقیقی آنان قرار دارند، که در راه خداپرستی، عدالت، انسان دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده اند و صفحات تاریخ را زیبایی و شکوه بخشیده اند. در قرآن کریم از این جبهه خردمند و کمال جو، به گروه رهروان راه خدا یا «حزب خدا» تعبیر شده، و برایشان شرایط، نشانه ها، ویژگی ها و اهداف بلندی ترسیم گشته است. در جبهه دوم، شیطان ها و زورمداران استبدادگر و متکبری هستند که شرک و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به امیال خود، از انسان ها بهره کشی کرده اند و فساد و بی بندوباری را رواج داده اند. این گروه در زبان وحی، «حزب شیطان» نام گرفته اند.

رویارویی طرفداران جبهه حق و باطل، از سپیده دم حیات تاکنون به طور مداوم و در میدان های گوناگون جریان داشته و پیروزی و شکست دست به دست گردیده است. زمان های بسیاری حق و رهروان راه عدالت، حاکم بوده اند و مقاطعی باطل و ستم پیشگان، در تاخت و تاز.

امروز نیز در صحنه جهانی، دو جبهه حق و باطل حضور دارند. اما به راستی، سرانجام این مبارزه چه خواهد شد؟

قرآن و آینده تاریخ

قرآن کریم در تمثیل زیبایی جریان «حق و باطل» و سرنوشت آنها را به «آب و کف روی آن» تشبیه می کند:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا
وَمَا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُ بَرْدٍ كَذَلِكَ يُضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ

وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ^۱

همان خدایی که آبی از آسمان به صورت باران فرود آورد، آن گاه رودخانه‌هایی به اندازه کشش خود روان شدند. و سیلاب، کفی برآمده بر روی خود برداشت، و از آنچه برای به دست آوردن زیور یا کالایی در شعله‌های آتش می‌گذازند نیز ناخالصی و کفی به‌سان آن برمی‌آید. خدا حق و باطل را این گونه مثال می‌زند؛ اما کف روی آب به کناری پرتاب می‌گردد و از میان می‌رود، و اما آنچه به مردم سود می‌رساند، در زمین می‌ماند. خدا برای راهیابی مردم مثال‌ها را این گونه می‌زند.

همچنان که کف و ناخالصی، آب را که مایه حیات و نشاط زندگی است از دیده‌ها پنهان می‌کند و با حرکت آب جولان می‌دهد، باطل نیز بر دوش حق سوار شده و با حرکت حق، مسیر تاریخ را طی می‌کند؛ اما همان گونه که کف‌ها بر روی آب ناپایدارند و آنچه پایدار می‌ماند، آب صاف و زلال است سرانجام، باطل‌های کف گونه نیز محو و نابود می‌گردند. بنابراین، قرآن کریم، پاسخی نویدبخش و امیدآفرین به نتیجه مبارزه حق و باطل داده است. آیات دیگری از قرآن، وجوه دیگری از غلبه حق بر باطل را به تصویر کشیده‌اند:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۲

براساس این آیه می‌توان گفت:

الف) از دیدگاه قرآن، در صحنه مبارزه توحید و شرک، گرچه ممکن است طرفداران حق و عدالت بارها دچار ناکامی گردند، و اشتباهات یا بی‌توجهی به پیام‌های الهی آنها را مغلوب نماید، اما وعده قطعی خداست که در پایان برخورد و پیکار میان این دو، پیروزی جاودانه با حق گرایان است.

۱- سوره رعد، آیه ۱۷.

۲- سوره نور، آیه ۵۵.

ب) قرآن رهایی بشر از سلطهٔ مکتب‌ها و فلسفه‌های میان‌تهی را بشارت می‌دهد. همان‌گونه که به مردم صدر اسلام، فرجام خوش و آیندهٔ سعادت‌مندانه و پیروزی اندیشهٔ مترقی قرآن بر اندیشه‌های شرک و بیداد را بشارت داد و همگان شاهد بودند که با گذشت زمان، نویدهای قرآن یکی پس از دیگری جامهٔ عمل پوشید، و نه تنها مکه و مدینه و جزیرهٔ العرب، که کاخ‌های ستم در ایران، روم، مصر، یمن و شرق و غرب جهان آن روز نیز در معرض نفوذ پیام قرآن قرار گرفتند. ج) قرآن نجات از ناامنی‌ها، و رسیدن به آرامش را نوید می‌دهد. آرامش جانی، اقتصادی، شغلی و... بنابراین، سرانجام، جامعهٔ انسانی به امنیت به مفهوم حقیقی‌اش خواهد رسید.

تدبیر

الف) آیات زیر را ترجمه کنید :

یک : هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱

دو : وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُم الْوَارِثِينَ^۲

سه : وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۳

چهار : ... وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ، لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَ يُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ.^۴

۱- سورة توبه، آیه ۳۳ و سورة صف، آیه ۹.

۲- سورة قصص، آیه ۵.

۳- سورة انبياء، آیه ۱۰۵.

۴- سورة انفال، آیه ۸-۷.

ب) با تدبر در آیات بگوئید هر کدام از آنها چه آینده‌ای را برای زندگی انسان بیان کرده‌اند؟
 یک :
 دو :
 سه :
 چهار :

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، در حالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط براساس دین خدا اداره می‌شود.

این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

– یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی او خواهد آمد و دین موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

– مسیحیان بر این باورند که عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از مسیحیان به نام پولس را پذیرفته‌اند که گفته است منجی نهایی جهان، عیسی علیه السلام است. آنان معتقدند که عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد و او را به صلیب کشیدند؛ اما سه روز پس از مرگ، زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱

۱- این در حالی است که در انجیل ذکر شده است که عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می‌دهد و او را نجات‌بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیده شدن عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره نساء، آیه ۱۵۷).

— در آیین زرتشتی، اعتقاد به سوشیانت که به معنای منجی و رهانده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.^۱

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

موعود در اسلام

ما مسلمانان بر این عقیده‌ایم که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد و حکومت واحد و عادلانه جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب‌های ایشان نیز «مهدی» علیه السلام است. البته در کتاب‌های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت مهدی از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است، اما مشخص نیست که این فرزند در چه زمانی به دنیا می‌آید.

در این میان اعتقاد شیعه، روشن، مشخص و همه‌جانبه است.

ما معتقدیم که بنا بر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام است. امام مهدی علیه السلام، هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله و کنیه اصلی ایشان نیز همان کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله — یعنی ابوالقاسم — است. ایشان در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق، در «سامرا» متولد شده و تا سال ۲۶۰ ق، در کنار پدر زندگی می‌کرده است. امام عسکری علیه السلام در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم بر قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آنکه در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می‌داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق، امامت امام مهدی علیه السلام آغاز شد. آن حضرت از ابتدای امامت خود که تا کنون ادامه دارد، دو غیبت داشته است. اول، غیبتی که تا سال ۳۲۹ قمری طول کشید و «غیبت صغری» نامیده می‌شود. امام در این دوره، با این که زندگی مخفی داشت، اما از طریق چهارنفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد، پیوسته با

۱— «خورشید مغرب» از محمدرضا حکیمی و «سوشیانت» یا «سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

پیروان خود در ارتباط بود و آنان را رهبری می‌کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف‌اند.^۱



شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر علیه السلام برای ایشان نامه‌ای نوشت و فرمود به فرمان خداوند، پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می‌شود. به دلیل طولانی بودن این دوره از غیبت، آن را «غیبت کبری» یعنی غیبت بزرگ و طولانی می‌نامند. ایشان آخرین ذخیره الهی است و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد تا اینکه به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد.^۲

البته مشخص بودن پدر و مادر امام زمان علیه السلام، این فایده را دارد که اگر ماجراجویان فربکاری بخواهند خود را مهدی موعود معرفی کنند، به زودی شناخته می‌شوند و مردم هوشیار، فرب آنها را نمی‌خورند.

زنده بودن آن حضرت و حضور ایشان در جامعه و اعتقاد به این حقیقت، فواید زیر را دارد:

اول اینکه پیروان آن حضرت، از یک سو، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند و از سوی دیگر، آنان می‌توانند خواسته‌های خود را با امام خود همانند دوستی صمیمی در میان گذارند و برای به‌دست آوردن رضایت ایشان، تلاش کنند.

دوم اینکه جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

۱- نایبان خاص امام عصر علیه السلام عبارت‌اند از: عثمان بن سعید (به مدت ۵ سال)، محمد بن عثمان (به مدت ۴۰ سال)، حسین بن روح نوبختی (۲۱ سال) و علی بن محمد سمري (۳ سال).

۲- کتاب‌های الغیبه، شیخ طوسی، امام مهدی، آیت‌الله جوادی، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، آیت‌الله مکارم شیرازی.

۱ دلیل بیاورید.

الف) از نظر خداپرستان، پیروزی حق بر باطل در آینده تاریخی، امری قطعی است.
ب) اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، زمینه ساز ظهور است.

۲ آیا با جمله زیر موافقت می‌کنید :

تنها تفاوت مسلمانان با پیروان سایر ادیان درباره منجی، این است که مسلمانان منجی خود را حاضر و ناظر بر خود می‌دانند و به صورت‌های گوناگون از هدایت ایشان، برخوردار می‌گردند.

میان «حکمت الهی» و «غلبه حق بر باطل در آینده» چگونه ارتباط برقرار می‌شود؟

با مراجعه به منابع، برخی از ویژگی‌های موعود از دیدگاه پیروان یکی از ادیان را استخراج کنید. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آنها و موعود در اسلام می‌بینید؟

در انتظار طلوع

گل کرد خار خار شبِ بی‌قراری‌ام
دیدم هزار چشم، در آینه‌کاری‌ام
از خویش می‌روم که تو با خود بیاری‌ام
باری، مگر تو دست بر آری به یاری‌ام
مرهم نهاد نام تو بر زخمِ کاری‌ام
بارود، رو به سوی تو دارم که جاری‌ام
زان پیشتر که پاک شود یادگاری‌ام

از نو شکفت نرگس چشمِ انتظارِ ام
تا شد هزار پاره دل از یک نگاه تو
گر من به شوق دیدنت از خویش می‌روم
بود و نبود من همه از دست رفته است
کاری به کار غیر ندارم که عاقبت
تا ساحل قرار تو چون موج بی‌قرار
با ناخنم به سنگ نوشتم: بیا بیا

۱- گل‌ها همه آفتابگردانند، قیصر امین‌پور.



غیبت امام مهدی علیه السلام

می‌دانیم که خداوند جریان نبوت را با ارسال پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، پایان داد. اما نعمت هدایت، با وجود امامان علیهم السلام ادامه یافت. در دوره امامت، حاکمان بنی امیه و بنی عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته بودند، سخت‌گیری آنان نسبت به امامان و به خصوص امام دهم و یازدهم شدت یافته بود و این در حالی بود که بیشتر مردم نیز تسلیم آنها شده بودند، با آنان مبارزه نمی‌کردند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام نمی‌دادند.

این شرایط تا آنجا ادامه یافت که خداوند حکیم آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد و تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی از نظرها پنهان باشد. این غیبت آنقدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید :

زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد.^۱

تدبیر

با تفکر در آیه زیر چه رابطه‌ای میان غیبت امام عصر علیه السلام و مفهوم آن می‌بینید؟

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۲

«خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها، خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست.»

۱- نعمانی، /العیبه، باب ۲۰.

۲- سوره انفال، آیه ۵۳.

چگونگی امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که امام را «غایب» نامیده‌اند؛ زیرا ایشان از نظرها «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. ایشان چون خورشید عالم تاب، انوار هدایت و رهبری خود را بر مسلمانان می‌تاباند. به عبارت دیگر، این انسان‌ها هستند که امام را نمی‌بینند نه اینکه ایشان در بین ما نیست و از وضعیتان بی‌خبر است.

عمری است که از حضور او جامانده‌ایم در غربت سرد خویش تنها مانده‌ایم
او منتظر است تا که ما برگردیم ما می‌یم که در غیبت کبری مانده‌ایم
امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید :

«حجّت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند... به نقاط مختلف جهان می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند...؛ تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست»^۱.

بهره‌مندی از امام در عصر غیبت کاهش می‌یابد. در این دوره، نه امکان حکومت و ولایت ظاهری هست و نه امکان تشکیل جلسات درس و تعلیم معارف و احکام دین توسط ایشان. لذا این بهره‌مندی، منحصر به «ولایت معنوی» می‌شود که نیازمند به ظاهر بودن بین مردم نیست. ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، افراد مستعد و به‌ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی خویش برخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید^۲ می‌فرماید :

«ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ‌چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست».

ایشان در ادامه همین نامه می‌فرماید :

۱- نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۴.
۲- شیخ مفید در سال ۳۸۱ ق، به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ ق، به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را برعهده داشت. شیخ مفید بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب و رساله تألیف کرد و شاگردان بزرگی چون سیدمرتضی، سیدرضی و شیخ طوسی تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

«ما در رسیدگی [به شما] و سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند».^۱

هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حلّ بعضی از مشکلات علمی علما، خبردادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از یاری‌رسانی‌های آن حضرت است. چه بسیارند افرادی که از یاری آن امام برخوردار می‌شوند، بدون آنکه ایشان را بشناسند.

بنابراین، دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر علیه السلام نیست، بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است؛ اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند و مشاهده نمی‌کنند. اگر شب، عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن‌زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

در دروس بعد درباره دو مسئولیت ولایت ظاهری و تعلیم و تبیین معارف اسلامی و نحوه انجام آنها سخن خواهیم گفت.

انتظار

شخص منتظر، انسان آرمانی خود را می‌شناسد، همه زیبایی‌ها و کمالات انسانی را در او می‌بیند، از این‌رو به‌طور طبیعی او را محبوب خود می‌یابد و مشتاق دیدار او می‌شود. امام، محبوب و معشوق هر مؤمن است. مهر و عشق به امام زمان علیه السلام سبب می‌شود:

(۱) شخص عاشق برای جلب رضایت امام تلاش کند.

(۲) شخص عاشق، امام را اسوه خود قرار دهد و خصایل مطلوبی را که در او می‌بیند، در خود به وجود آورد.

(۳) او را فعال و بانشاط کند و امید به آینده زیبا را در او افزایش دهد.

جامعه منتظر به واقعیت‌های ناهنجار موجود «نه» می‌گوید و به امید فردای درخشان تلاش می‌کند. جامعه منتظر، حکومت طاغوت را بر نمی‌تابد؛ در مقابل آن می‌ایستد و مقاومت

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۶.

می‌کند. جامعه منتظر می‌کوشد در جهت همان نوع از جامعه‌ای که انتظارش را می‌کشد حرکت کند؛ برای مثال، اگر در انتظار عدالت اجتماعی است، در حدّ توان، آن را تمرین می‌کند و برای تحقق آن پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که جوامع دیگر با مشاهده جامعه منتظر، مشتاق آن جامعه و آرمان‌های آن می‌شوند.

مسئولیت‌های منتظران

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است :

الف) **گذشته سرخ** : اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت خواهی، آرمان‌گرایی و حقیقت‌جویی.

ب) **آینده سبز** : باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

پاسداری از این دو باور ارزشمند و برخورد هوشیارانه با نقشه‌های دشمنان برای تحریف یا تضعیف این دو اعتقاد در بین مردم، رسالت خطیری است که بر دوش منتظران واقعی نهاده شده است. در اینجا به مهم‌ترین این رسالت‌ها اشاره می‌کنیم :

۱ تقویت معرفت و محبت به امام : معرفت، محبت و انتظار سه کلمه زیباست که با نام مهدی علیه السلام در خاطره ما زنده می‌شود؛ انتظار بدون محبت، و محبت بدون معرفت، بی‌معناست.

افزایش معرفت به امام عصر علیه السلام و تقویت محبتی که به دنبال آن می‌آید، وظیفه هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر علیه السلام می‌فرماید :

«هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت

او ملاقات کند، ولایت و محبت امام عصر علیه السلام را بپذیرد».^۱

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

ضرورت تقویت معرفت و محبت بدان جهت است که عصر غیبت، عصر دودلی‌ها و شک و تردیدهاست. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، با افزایش معرفت خود، تردیدها را کنار می‌زند و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود:

«بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، آنان پیامبرشان را ندیده‌اند، امام آنها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام [و تفکر در آنها] ایمان می‌آورند».^۱

۲ پیروی از فرمان‌های امام عصر علیه السلام: منتظر حقیقی تلاش می‌کند که در عصر غیبت، پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«خوشا به حال کسی که به حضور «قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد».^۲



۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

مراجعه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت از جمله دستورات امام زمان است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند. به عنوان نمونه، تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و برکنار کردن حاکمان ستمگر، یکی از علائم پیروی از امام عصر علیه السلام است.

۳ آماده کردن خود و جامعه برای ظهور: منتظر، عصر غیبت را عصر آماده باش برای یاری امام، تلقی می کند و خود را همچون سربازی برای یاری آن حضرت می داند. او هر لحظه منتظر است ندای امام علیه السلام در جهان طنین انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام زمان علیه السلام می فرماید:

«یاران مهدی علیه السلام مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره ها هستند؛ اگر به کوه ها روی آورند، آنها را متلاشی می کنند».^۱

امام علی علیه السلام درباره کسانی که با امام پیمان می بندند و بیعت می کنند، می فرماید:

«امام با این شرط با آنها بیعت می کند که در امانت خیانت نکنند، پاک دامن باشند، اهل دشنام و کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خونریزی نکنند، به خانه ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار ندهند، ساده زیست باشند و بر مرکب های گران قیمت سوار نشوند، لباس های فاخر نپوشند، به حقوق مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند».^۲

اما چه کسانی می توانند در هنگام ظهور این ویژگی ها را داشته باشند؟ کسانی که قبل از ظهور آن امام، در صحنه فعالیت های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند و با ایستادگی در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی هایی همچون شجاعت، عزت نفس و پاک دامن بودن را در خود پرورانده باشند.

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- سید ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۴۹.

کسی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کند و در صحنه نبرد حق طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشد، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا می نشینیم».^۱

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ویژگی های منتظران می فرماید:

«هرچند اعتقاد به ظهور امام مهدی - ارواحنا فداء - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست، اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته اند فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن بینی دارد. عده ای این اعتقاد را وسیله ای برای تخدیر خود یا دیگران قرار می دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه ای نداریم؛ نه، برعکس. ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم».^۲

یاران امام، پیشتازان تحوّل جهانی و سازندگان تمدن اسلامی اند. هسته مرکزی این یاران ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر هستند که بنا به فرموده امام باقر علیه السلام ۵۰ نفر از آنان از زنان اند.^۳ همچنین در احادیث آمده است که بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می دهند.^۴ با ایجاد آمادگی در خود بکوشیم که از یاران نزدیک امام عصر علیه السلام باشیم.

۱- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائده.

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۱۰۷.

۴ دعا برای ظهور امام : در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است؛ زیرا فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید :

«منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است»^۱.



لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام است. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم :

«خدا یا ! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلش را خوار می‌سازی، ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار»^۲.

نه تنها دعا برای ظهور بلکه برای داشتن شایستگی لازم برای یاری حجت خدا نیز دعا می‌کند :

۱- شیخ صدوق، *الخصال*، ج ۲، ص ۶۱۶، این شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۱۰۴.

۲- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب‌های ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّهُ لَهٗ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهٗ فِي عُقْفَى لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَيَّ إِرَادَتِهِ^۱

«پروردگارا من در صبح همین روزم و تمام ایامی که در آن زندگانی کنم با او تجدید می‌کنم عهد خود و عقد بیعت او را که برگردن من است. که هرگز از این عهد و بیعت برنگردم و تا ابد بر آن ثابت قدم باشم. پروردگارا مرا از انصار و یاران آن بزرگوار قرار ده و از آنان که از او دفاع می‌کنند و از بی انجام مقاصدش می‌شتابند و اوامرش را امتثال و از وی حمایت کرده و به جانب اراده‌اش مشتاقانه سبقت می‌جویند».

نگاهی به جامعه مهدوی

امام عصر علیه السلام زمانی ظهور می‌کند که مردم جهان از همهٔ مکتب‌های غیر الهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناامید شده‌اند و با تبلیغی که منتظران واقعی کرده‌اند، دل‌های مردم به سوی آن منجی الهی جلب شده است. بیشتر مردم، همین که ندای امام و طرفداران ایشان را می‌شنوند، با شوق به سوی امام می‌شتابند. اما مستکبران و ظالمان در مقابل امام می‌ایستند که در نهایت شکست می‌خورند و حکومت جهانی امام تشکیل می‌شود. حکومتی که امام عصر علیه السلام تشکیل می‌دهد و جامعه‌ای که می‌سازد، همان حکومت و جامعه‌ای است که آرمان پیامبران الهی بوده و در طول تاریخ برای تحقق آن مبارزه کرده‌اند و بسیاری از انبیاء و اولیاء و زنان و مردان آزادهٔ جهان در راه آن، به شهادت رسیده‌اند. به عبارت دیگر، با تشکیل حکومت امام عصر علیه السلام همهٔ اهداف انبیاء تحقق می‌یابد. در میان این اهداف به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱- دعای عهد.

۱ عدالت‌گستری : پیامبر اکرم ﷺ فرمود :

«با ظهور امام عصر علیه السلام خداوند زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد».^۱

در جامعه مهدوی، قطب مرفه و قطب فقیر، طبقه مستکبر و طبقه مستضعف وجود ندارد. امام باقر علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام می‌فرماید :

«آن چنان میان مردم مساوات برقرار می‌کند که نیازمندی پیدا نخواهد شد تا به او زکات داده شود».^۲

در جامعه مهدوی خبری از فقر و بینوایی نیست. حس تعاون و یاری دادن به یکدیگر در همه جا دیده می‌شود. مردم تا آنجا نسبت به یکدیگر اطمینان دارند که اجازه برداشت از اموال شخصی خود را به دیگری می‌دهند.

۲ آبادانی : براساس وعده قرآن کریم که فرموده :

«اگر اهالی شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، درهای برکات از آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم».^۳

برکت و آبادانی همه سرزمین‌ها را فرامی‌گیرد. برای مثال، اگر کسی سرزمین‌های بین عراق و شام را که بسیاری از قسمت‌های آن در حال حاضر کویری است، ببیناید، همه را سرسبز و خرم خواهد دید.^۴

امام صادق علیه السلام می‌فرماید :

«در آن هنگام زمین، ذخایر خود را آشکار می‌کند و برکات خود را ظاهر می‌سازد».^۵

۱- شیخ طوسی، القیة، ص ۴۹.

۲- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۶۶.

۳- سورة اعراف، آیه ۹۶.

۴- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶.

۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

۳ شکوفایی عقل و علم : این دوران زمان کامل شدن عقل‌های آدمیان است و با توجه ویژه‌ای که امام زمان علیه السلام به همه انسان‌ها می‌کند، عقل آنان کامل می‌شود.^۱

همه مردم به کسب دانش و فهم اسرار هستی علاقه نشان می‌دهند و از رازهای هستی، یکی پس از دیگری پرده برمی‌دارند. اگر دانشی که بشر از ابتدای خلقتش تا زمان ظهور به دست آورده است، به اندازه دو حرف از بیست و هشت حرف باشد، در عصر مهدوی به تعداد سایر حروف بر دانش بشر افزوده می‌شود.^۲

۴ امنیت کامل : یکی از اهداف مبارزات گسترده انسان‌های آزاده، تلاش‌های مصلحان اجتماعی و مجاهدت مجاهدان و مبارزان راه حق، این بوده است که انسان‌ها با امنیت کامل در کنار هم زندگی کنند. امام عصر علیه السلام این آرزوی بشر را محقق می‌کند. در آن دوران، اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، زن یا مرد و به تنهایی به سمت دیگر حرکت کند، احساس ناامنی و ترس نمی‌کند^۳ و از دزدی اموال و ثروت دیگران خبری نیست.

۵ فراهم شدن زمینه رشد و کمال : از همه موارد فوق مهم‌تر، اینکه در جامعه مهدوی زمینه‌های رشد و تکامل همه افراد فراهم است. انسان‌ها بهتر می‌توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب، انسان‌ها به هدفی که خدا در خلقت برای آنها تعیین کرده است، بهتر و آسان‌تر می‌رسند.

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳- همان، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

۱ دلیل بیاورید :

الف) بهره‌مندی انسان‌ها از هدایت در زمان غیبت، تعطیل نمی‌شود.
ب) لازمه رسیدن به جامعه عادلانه جهانی، نه گفتن به واقعیت‌های ناهنجار موجود است.

ج) کسی که در جبهه حق، حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند از یاران نزدیک امام زمان علیه السلام باشد.

د) انتظار باعث پیشرفت جامعه می‌شود.

ه) تقویت معرفت و محبت به امام زمان علیه السلام در عصر غیبت ضرورت دارد.

۲ عبارات صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید :

الف) امامت امام دوازدهم از طریق ولایت معنوی و سایر ائمه علیهم السلام از طریق ولایت ظاهری انجام می‌شود.

ب) در دوره غیبت، رهبری حقیقی انسان‌ها بر عهده امام عصر علیه السلام است، ولی انسان‌ها آن را درک نمی‌کنند.

ج) تفاوت مسلمانان با پیروان سایر ادیان درباره منجی این است که مسلمانان، منجی خود را حاضر و ناظر بر خود می‌دانند و به صورت‌های گوناگون از هدایت ایشان، برخوردار می‌گردند.

د) کسی که در عصر غیبت، تنها با گریه و دعا سر کند نمی‌تواند از پیشتازان تحول جهانی باشد.

۳ هریک از موارد زیر به کدام یک از مسئولیت‌های انسان منتظر اشاره دارد؟

الف) مراجعه به رساله توضیح المسائل

ب) مطالعه نهج البلاغه

ج) خواندن روزانه دعای عهد

۴ هریک از موارد زیر به کدام یک از ویژگی های جامعه مهدوی اشاره دارند؟

(الف) فراهم شدن امکان تحصیل برای همه علاقه مندان به تحصیل

(ب) امام علی علیه السلام : در زمان قیام قائم علیه السلام، زن با همه زینت و زیور خود از عراق تا شام می رود و... چیزی او را نمی ترساند.

(ج) تبدیل زمین های بایر به زمین های حاصلخیز

۵ کدام یک از افراد زیر می توانند از منتظران امام زمان علیه السلام باشند و کدام یک نمی توانند؟ چرا؟

(الف) کسانی که با لباس هایی که می پوشند، فخر فروشی می کنند.

(ب) کسانی که نسبت به مسئله حجاب در جامعه بی تفاوت نیستند.

۶ فردی می گوید: «غیبت امام به معنای خالی بودن زمین از حجت الهی است و این

با ضرورت وجود امام که همان هدایت انسان هاست، منافات دارد. با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

۷ فردی می گوید: «پیروی از امام عصر نمی تواند از ویژگی های فرد منتظر باشد زیرا

دسترسی به امر ایشان درباره مسائل جدید که در زمان غیبت رخ می دهند، امکان پذیر نیست»؛ با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

هم اندیشی

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱

هر کس بمیرد و امام زمان خود را شناسد به مرگ جاهلی مرده است.

به نظر شما چرا کسی که امام زمانش را شناسد و در همان حال بمیرد به مرگ جاهلی

مرده است؟

تحقیق کنید

نمونه هایی از ولایت معنوی امام عصر را از منابع معتبر بیابید و به کلاس ارائه دهید.

۱- علامه امینی، *الغدیر*، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

تداوم امامت در عصر غیبت

دین به عنوان برنامه زندگی، به عصر پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ اختصاص ندارد. به دست آوردن احکام الهی و بیان آن برای مردم نیز ویژه آن دوران نیست؛ علاوه بر این همواره مسائل جدیدی پیش می‌آید که یک مسلمان می‌خواهد بداند دین درباره آن چه حکمی دارد. بانکداری، بیمه، پیوند اعضا و...

در دوره غیبت کبری که مردم به امام علی ﷺ دسترسی ندارند، راه حل چیست؟ همچنین مسئولیت تشکیل حکومت اسلامی بر عهده رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است و آنان هستند که باید بر مبنای قانون الهی بر مردم حکومت کنند و نظام اجتماعی اسلام را به وجود آورند. این مسئولیت در دوره غیبت کبری چه سرنوشتی پیدا می‌کند؟



ضرورت تداوم مسئولیت‌های امام در عصر غیبت

پیامبر اسلام، خاتم پیامبران و قرآن کریم، کتاب جاودانه الهی است. از این رو دین اسلام یک دین همیشگی و برای همه دوران‌ها است و براساس عقل، ضرورت دارد که دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» استمرار داشته باشد. در این درس با مراجعه به قرآن کریم و سخن و سیره پیشوایان دین که راهگشای همیشگی مسلمانان برای یافتن پاسخ سؤالات می‌باشند، به چگونگی تداوم دو مسئولیت می‌پردازیم. در آغاز به محضر قرآن می‌رویم.

تدبّر

سال قبل با «آیه نفر» آشنا شدید. خداوند در این آیه می‌فرماید :

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا

فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ^۱

(۱) تفقه به چه معنایی است؟ و فقیه به چه کسی گفته می‌شود؟

.....

(۲) خداوند متعال در این آیه به مسلمانان چه دستوری می‌دهد؟

.....

(۳) آیا این دستور به زمان و مکانی اختصاص دارد؟

.....

(۴) آیا این دستور مربوط به موضوعات خاصی است یا شامل همه احکام الهی می‌شود؟

.....

(۵) بحث «مرجع تقلید» چگونه می‌تواند با این آیه ارتباط داشته باشد؟

.....

۱- سورة توبه، آیه ۱۲۲.

بر اساس این دستور الهی گروهی از مردم باید همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در آن بپردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند، یکی از اقدامات معصومین تربیت دانشمندانی بود که بتوانند احکام اسلام را با مراجعه به قرآن کریم و سیره و سنت پیامبر و امامان به دست بیاورند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می‌رفتند و احکام اسلام را به مردم می‌آموختند. اگر مردم نیز پرسشی داشتند، آنان بر اساس دانشی که از قرآن کریم و روایات داشتند، به آن پرسش پاسخ می‌دادند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان عدم امکان دسترسی به معصوم یا غیبت ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند.

در ادامه دو نمونه از این موارد را با هم می‌خوانیم:

الف) یکی از یاران امام رضا علیه السلام به نام علی بن مسیب همدانی به امام عرض کرد: برای من مشکل است که در هر زمانی نزد شما بیایم و معارف دینی را از شما بگیرم. امام به ایشان فرمود: می‌توانی از زکریا بن آدم قمی^۱ که در امور دین و دنیا امین است، بپرسی.^۲

ب) ابن ابی عمیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: گاهی سؤالی برای ما مطرح می‌شود. از چه کسی بپرسیم و پاسخ بگیریم؟ امام فرمود: از ابی بصیر.^۳ و^۴

اندیشه

با تدبّر در روایت زیر ویژگی‌های فقهی را که تبعیت از او بر دیگران لازم است استخراج کنید.

۱- او محدثی است که محضر امامان ششم تا نهم علیهم السلام را درک کرده و مزارش در قبرستان شیخان شهر قم واقع شده است.

۲- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۶.

۳- ابی بصیر یکی از یاران نزدیک امام صادق علیه السلام بود.

۴- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید :

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ، صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا
لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلِدُوهُ....

- ۱-.....
- ۲-.....
- ۳-.....
- ۴-.....

ممکن است پس از خواندن این روایات این سؤال به وجود آید که آیا مراجعه به فقیه فقط در امور و احکام فردی است؟ برای یافتن پاسخ به روایات زیر توجه کنید :

۲- گروهی از امام صادق علیه السلام پرسیدند که برای قضاوت به چه کسی مراجعه کنیم. ایشان در پاسخ فرمودند :

«از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را قاضی و حاکم قرار داده‌ام».^۱

۳- امام صادق علیه السلام دربارهٔ کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می‌کنند، فرمود :

هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می‌فرماید : «می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت روند، درحالی که باید نسبت به طاغوت کافر باشند».^۲

همچنین فرمودند : «اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می‌کند و در احکام دین تفکر می‌کند و آنها را می‌داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند و من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده‌ام».^۳

۱- شیخ طوسی، التمهید، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۵۳.

۲- سورة نساء، آیه ۶۰.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۳.

امام عصر علیه السلام در پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که درباره «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست‌وجو نمود، فرمود:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ و در مورد رویدادهای زمان

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا به راویان حدیث ما رجوع کنید.

فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ که آنان حجت من بر شمایند

وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و من حجت خدا بر آنها می‌باشم.^۱

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در غیبت امام، نه تنها در احکام و مسائل فردی، بلکه در مسائل اجتماعی هم، باید به «فقیه» مراجعه کنند. روشن است که انجام چنین وظیفه‌ای، جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل «حکومت اسلامی» به رهبری فقیه میسر نیست. بنابراین:

در دوره غیبت، بنا به فرمان امام زمان علیه السلام و به نیابت از ایشان، «فقیهان» واجد شرایط، دو مسئولیت «تعلیم و تبیین دین» و «سرپرستی و ولایت جامعه» را بر عهده دارند. بدین صورت که کسانی که در احکام دین متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می‌کنند و احکام دین را از آنان می‌آموزند (مرجعیت فقیه). واز میان فقیهان دارای شرایط، آن که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده‌دار حکومت می‌شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی‌آورد (ولی فقیه). بدین ترتیب در عصر غیبت، مرجعیت دینی در شکل مرجعیت فقیه ادامه می‌یابد و حکومت اسلامی در چارچوب ولایت فقیه استمرار پیدا می‌کند.



۱- شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳.

۲- مقصود امام از راویان حدیث: در اینجا، آن دسته از راویان حدیث هستند که بتوانند رویدادهای جدید زمان را بشناسند و توانایی تفقه در حدیث را داشته باشند و با مراجعه به احادیث، حکم درست آن رویداد را برای مردم بیان کنند.

شرایط مرجع تقلید و راه‌های شناخت آن

می‌دانیم که مرجع تقلید باید باتقوا^۱، عادل^۲، زمان‌شناس و اعلم باشد. اما چگونه می‌توانیم مرجع تقلید را بشناسیم؟

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان‌طور که برای یافتن بهترین پزشک، معمار یا مهندس، تحقیق و جست‌وجو می‌کنیم، برای شناخت فقیه واجد شرایط نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه‌های زیر را پیش گیریم:

(۱) خود ما به اندازه‌ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه دارای شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

(۲) از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتواند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.

(۳) یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن‌چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

شرایط ولی فقیه

فقیه‌ای که رهبری جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرد و حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد باید دارای شرایط زیر باشد:

(۱) باتقوا باشد.

(۲) عادل باشد.

(۳) زمان‌شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد.

(۴) مدیر و مدبّر باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند.

(۵) شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و وا همه، با دشمنان دین مبارزه کند.

در اجرای احکام دین از کسی نترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

حکومت و رهبری کسی که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه

رهبری مردم را داده است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۳

۱- تقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می‌شود و مانند حافظ و نگهدارنده از گناه عمل می‌کند. هر قدر که تقوا بیشتر باشد، حرکت به سمت گناه کمتر است.

۲- عدالت، مراتب دارد. عدالت پیامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آنقدر باشد که به ندرت از وی گناهی سرزند. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه‌ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغ‌گویی و گناه مشهور نباشند.

۳- صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۵۳.

علاوه بر این، ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش برود. یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود، «مقبولیت» داشته باشد.

چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آنجا که ولی فقیه، بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد. یعنی نمی‌شود که هرکس به‌طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و رهبری واحد امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیه‌ی را که دارای شرایط رهبری است، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به وی بسپارند.

مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری، ولایت امام خمینی علیه‌السلام را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آنگاه خبرگان نیز از میان فقها آن کس را که برای رهبری شایسته‌تر تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی علیه‌السلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را عهده‌دار شدند.

طبیعی است که چنین فقیه‌ی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را دارا باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.

آمادگی برای حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام

برقراری حکومت اسلامی، علاوه بر اینکه یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران امام مهدی علیه‌السلام فرصت می‌دهد که در حدّ توان، آنچه را برای ظهور لازم است فراهم سازند.

در جهان امروز، مستکبران با استفاده از قدرت و امکانات خود به دنبال سرکوب اندیشه مهدویت و اصل و اساس دینداری هستند و عدالت‌خواهان را سرکوب می‌کنند و با تبلیغات

فراوان و فرهنگ‌سازی، اصل امامت و عقیده به ظهور امام عصر (عجله) را زیر سؤال می‌برند تا آینده جهان را مطابق خواسته‌های خود شکل دهند. در این شرایط، وجود حکومت اسلامی که آرمان خود را آمادگی برای ظهور قرار داده، امکان مقابله با توطئه‌ها و تهاجم‌ها را فراهم می‌کند و امکاناتی در اختیار معتقدان و پیروان امام عصر (عجله) قرار می‌دهد که می‌توانند آرمان مهدویت را در جهان گسترش دهند.

استفاده از دستگاه‌های تبلیغاتی، مانند رادیو و تلویزیون، گسترش حوزه‌های علمیه و تربیت استادان و دانشمندان، توسعه برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مدارس و دانشگاه‌ها، مقابله با تبلیغات دشمنان و افشای توطئه‌های آنان، تشکیل پایگاه و مرکزی برای طرفداران مهدویت در سراسر جهان برای مراجعه به این پایگاه و استفاده از امکانات لازم فرهنگی و علمی آن، از جمله این امکانات است که با تشکیل حکومت اسلامی در کشور ما میسر شده است.^۱

در حقیقت، ولایت و حکومت اسلامی، قلعه محکمی است که منتظران ظهور امام عصر (عجله) با پشتوانه آن، می‌توانند خود را برای ظهور آماده کنند؛ و این، یکی از مصداق‌های دقیق «انتظار فرج» است.

امام خمینی (رحمه الله)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، درباره ضرورت تشکیل حکومت اسلامی برای کمک به آمادگی مردم و تعجیل در ظهور بیاناتی دارد که خلاصه آن چنین است:

«ما نمی‌توانیم دنیا را پر از عدل کنیم، این کار فقط توسط امام عصر (عجله) صورت می‌گیرد؛ ما نمی‌توانیم از ظلم در سراسر جهان جلوگیری کنیم، گرچه هر مسلمانی وظیفه دارد با ظلم مبارزه کند؛ اما ما می‌توانیم در حد توان خود با ظلم مبارزه کنیم و شرایطی را فراهم کنیم که اسباب ظهور، بهتر فراهم شود و چون می‌توانیم چنین کاری را بکنیم، باید حکومت اسلامی را تشکیل دهیم».^۲

۱- «جامعه المصطفی العالمية» یا «دانشگاه جهانی مصطفی»، دانشگاهی در قم است که در سال ۱۳۸۶ تأسیس شده است. دانشجویان این دانشگاه، جوانان معتقد به اسلام و تشیع هستند که از سراسر نقاط جهان برای تحصیل معارف اسلام و دفاع از امامت و مهدویت به ایران سفر کرده‌اند. این دانشجویان، پس از پایان دوره تحصیل به کشور خود بازمی‌گردند و معارف اسلام و حقیقت مهدویت را به مردم می‌آموزند و در حد توان خود به گسترش فرهنگ دینی کمک می‌کنند تا مردم، دین و اعتقاد خود را از دست ندهند و برای ظهور امام عصر (عجله) آماده باشند. این دانشگاه، یکی از صدها امکانی است که با تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، فراهم آمده است.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴ تا ۱۷.

۱ دلیل بیاورید.

- الف) تداوم امامت در دوران غیبت، امری ضروری و لازم است.
 ب) راه و روش پیامبر ﷺ و ائمه با پیروی عقل را در اثبات ضرورت تداوم امامت در دوران غیبت تأیید می‌کند.
 ج) انتخاب ولی فقیه، یک انتخاب فردی نیست.
 د) ولی فقیه باید مدبر و زمان شناس باشد.

۲ هر یک از احادیث زیر چگونه ضرورت مراجعه به فقیه را در زمان غیبت اثبات می‌کند؟

- الف) فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ.....
 ب) وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ.....

۳ هریک از عبارات زیر به کدام یک از ویژگی‌های ولی فقیه اشاره دارند؟

- الف) صَائِتًا لِنَفْسِهِ
 ب) صدور حکم اعدام برای سلمان رشدی توسط امام خمینی علیه السلام
 ج) لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ

۴ صحیح و غلط را با ذکر دلیل تعیین کنید.

- الف) یکی از راه‌های شناخت مرجع تقلید، شهرت در میان مردم است.
 ب) برای فهم دین در زمان غیبت دو روش وجود دارد: یکی روش عقلی که همان تفقه است و دیگری، مراجعه به متخصص که همان تقلید است.

- ۱) چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟
- ۲) فردی می‌گوید: «رهبر را مردم باید انتخاب کنند و این با انتخاب رهبر، توسط مجلس خبرگان، منافات دارد»؛ با او موافقید یا خیر؟ چرا؟

اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

ویژگی‌های حکومت اسلامی (۱)

دانستیم که وجود حکومت اسلامی، علاوه بر اینکه یک ضرورت اساسی در اجرای احکام اسلامی است، به مؤمنان و منتظران امام مهدی علیه السلام فرصت می‌دهد که در حد توان، آنچه را برای ظهور لازم است فراهم سازند.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که اساساً حکومت اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

برای اینکه حکومت اسلامی بتواند به بهترین شکل ممکن در جهت زمینه‌سازی ظهور حرکت کند مسئولان نظام اسلامی چگونه باید عمل کنند؟



حکومت اسلامی؛ مردم سالاری دینی

انسان‌ها از آغاز زندگی اجتماعی، با درک نیاز به حکومت، به تشکیل آن روی آوردند و با گسترش جوامع بشری و انباشت تجربه‌ها، به شکل حکومت‌ها تنوع بخشیدند. امروزه حکومت‌ها با نام‌های مختلف و ویژگی‌های خاص وجود دارند و همه آنها مدعی‌اند که نوع حکومت آنها بهتر می‌تواند به سعادت مردم کمک کند.^۱

یکی از انواع این حکومت‌ها، حکومت دموکراتیک یا مردم سالار است، که در آن خواست اکثریت مردم بر سرنوشت جامعه حاکم است؛ نه خواست و اراده فرد یا گروه خاص. همان‌طور که در درس قبل دیدیم، یکی از ویژگی‌های حکومت اسلامی، نقش محوری رأی مردم و دخالت آنان در این نوع حکومت است. به همین جهت آن را جمهوری (مردم سالار) نامیده‌اند.^۲

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در این باره فرموده‌اند:

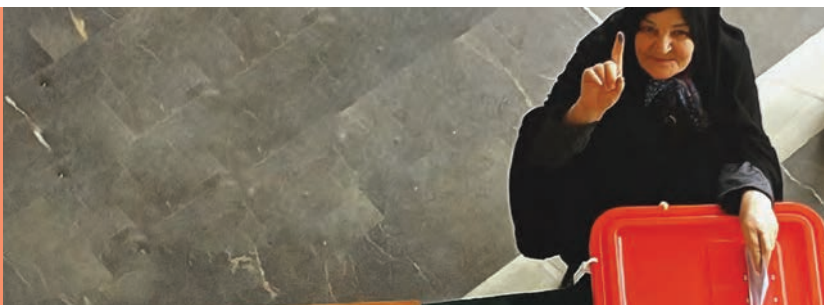
«... این مردم سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی، مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. یعنی این‌طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه، خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است... مردم سالاری عبارت است از اینکه تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی، مردم نظام را انتخاب می‌کنند... مسئولان اصلی را به واسطه یا بی واسطه انتخاب می‌کنند. این، همان چیزی است که غرب، ادعای آن را می‌کند و این فقط ادعاست.»^۳

دیگر تفاوت اساسی حکومت اسلامی با سایر حکومت‌ها آن است که مبنای نظام اسلامی، حاکمیت اراده و قانون الهی بر همه بخش‌های جامعه، با خواست و قبول مردم است. به

۱- هم‌اکنون حدود ۱۹۳ کشور در سازمان ملل متحد، عضو هستند که حکومت‌هایی با نام‌های گوناگون دارند؛ مثلاً انگلستان، بلژیک، دانمارک، اردن، اسپانیا و بحرین، نوع حکومتشان پادشاهی است. برخی مانند الجزایر، اندونزی، ایتالیا، ترکیه و روسیه، حکومت جمهوری دارند. بعضی هم مانند آمریکا، اتریش و آلمان، به صورت جمهوری فدرال اداره می‌شوند. برخی مانند چین، جمهوری تک حزبی دارند. بعضی حکومت‌ها نیز نام خود را سلطنت اسلامی گذاشته‌اند، یعنی هم خود را اسلامی می‌دانند و در عین حال، سلطنت به صورت ارثی از یک فرد به فرد دیگر در یک خانواده منتقل می‌شود، گرچه آن شخص هیچ‌یک از ویژگی‌های رهبری اسلامی را نداشته باشد. انواع دیگری از حکومت‌ها نیز وجود دارد که جای ذکر همه آنها نیست.

۲- بخشی از مصاحبه استاد شهید مطهری در ۱۳۵۸ به مناسبت روز ۱۲ فروردین که مردم در نظرخواهی درباره جمهوری اسلامی شرکت کردند.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲.



تعبیر زیبای امام خمینی رحمته الله علیه ولایت فقیه، حکومت فقه (یعنی مجموعه قوانین الهی) است، نه حکومت فرد فقیه. فقیه نیز باید تابع ضوابط و قوانین دینی باشد. نظام اسلامی زمانی در کشوری استوار می‌شود که اکثریت مردم بپذیرند که زندگی فردی و اجتماعی آنها مطابق با قانون الهی اداره شود؛ به همین جهت، این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است.

حکومت اسلامی از جهت اهداف نیز با دموکراسی رایج در جهان تفاوت دارد. دموکراسی موجود تأمین خواسته‌های دنیوی مردم را هدف قرار داده است و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتنا است یا با آنها مخالفت دارد. هم‌اکنون برخی حکومت‌ها را می‌بینیم که در پوشش دموکراسی، به مردم اجازه نمی‌دهند که احکام دینی خود را اجرا کنند. به همین جهت، به تدریج در این کشورها ارزش‌های اخلاقی و دستورهای الهی نادیده گرفته می‌شود.

حکومت اسلامی، علاوه بر تلاش برای رفاه و آسایش عمومی، باید جامعه را به گونه‌ای اداره کند که توجه مردم به کمال حقیقی و سعادت ابدی در آخرت بیشتر شود و زمینه‌های فساد و بی‌توجهی به آخرت کاهش یابد. براساس دیدگاه قرآن، هدف اصلی حکومت اسلامی آن است که با فراهم آوردن بستر عدالت اجتماعی، زمینه‌های رشد و تعالی مردم را مهیا کند.



مردمی هم که حکومت اسلامی را برپا کرده‌اند، خواستار همین آرمان بوده‌اند. بنابراین، حکومت اسلامی نمی‌تواند در خدمت منافع مادی اقلیتی از مردم باشد یا مطابق با هوای نفس برخی افراد، قوانین مهم اسلامی را نادیده بگیرد. آنگاه که حکومت اسلامی مطابق با معیارها و ضوابط تعیین‌شده تشکیل شود، این اطمینان‌خاطر در مردم به وجود می‌آید که هدف اصلی حکومت، اجرای قانون الهی است؛ از این‌رو قوانین و مقررات نظام را به خاطر رضایت الهی و رسیدن به کمال معنوی رعایت می‌کنند و اگر هم احساس کنند که در قسمتی از نظام خلل و اشکالی وجود دارد، با احساس مسئولیت برای رفع آن می‌کوشند و در صورت نیاز، به وظیفه‌ امر به معروف و نهی از منکر عمل می‌کنند.

وظایف متقابل رهبر و مردم

امام علی علیه السلام درباره رابطه میان رهبر و مردم می‌فرماید:

«... و بزرگ‌ترین حقی که خدا واجب کرده است، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حقوقی که خداوند بر هریک از این دو نسبت به هم واجب کرده و آن را سبب دوستی و الفت آنان و ارجمندی دیشان قرار داده است، مردم جز به صلاح حاکمان، اصلاح نپذیرند و حاکمان جز به پایداری مردم، نیکو نگردند، پس هنگامی که مردم، وظیفه خود را نسبت به حاکم انجام دادند و حاکم نیز حق آنان را ادا کرد، حق در بین اینها ارزشمند می‌شود»^۱.

وظایف رهبر

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنان خود، این حقوق را می‌شمرد و از آنها یاد می‌کند:

«ای مردم، همانا من به گردن شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید و اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت و راهنمایی کنم و درآمدهای بیت‌المال را به شایستگی بین شما تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و تربیت کنم تا یاد بگیرید.»

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.



یکی از آیاتی که مسئولیت‌های رهبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان می‌کند، آیه ۱۵۹ سوره آل عمران است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ به مهر الهی با آنان نرم شدی
وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ اگر تندخو و سخت‌دل بودی
لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ از گرد تو پراکنده می‌شدند
فَاعْفُ عَنْهُمْ پس از آنان درگذر
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ و برای آنان، آمرزش طلب کن
و شاورْهُمْ فِي الْأَمْرِ و در این کار با آنان مشورت کن
فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ و چون تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل نما
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد

در آیه اول سوره احزاب نیز خداوند مسئولیت‌های دیگری برای پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا

«ای پیامبر، از خدا پروا کن و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خداوند
دانای حکیم است».

در این دو آیه تأمل کنید و ببینید چه مسئولیت‌هایی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین کرده
است:

- | | | |
|---------|---------|---------|
|۱- |۲- |۳- |
|۴- |۵- |۶- |

ولی فقیه به عنوان نایب و جانشین رسول خدا ﷺ و امامان اهل بیت، وظیفه رهبری جامعه را برعهده می‌گیرد و می‌کوشد که با پیروی از آن بزرگواران و سرمشق قرار دادن آنها، جامعه را اداره کند. البته به این نکته باید توجه کنیم که در اسلام، رهبری و حکومت، یک مسئولیت سنگین است، نه یک ابزار برای رسیدن به امکانات و امیال و لذت‌های دنیوی. به همین جهت ولی فقیه می‌کوشد رسول خدا ﷺ و امامان معصوم را سرمشق قرار دهد و با داشتن یک زندگی ساده و معمولی، پیوندی قلبی و عاطفی با مردم برقرار کند. برخی از وظایف رهبر جامعه اسلامی، که از قرآن کریم، روایات و سیره معصومین بزرگوار به دست می‌آید، عبارت‌اند از:

۱) تلاش برای اجرای احکام و دستورات الهی در جامعه: رهبر جامعه اسلامی می‌کوشد جامعه، مطابق با دستورات دین اداره شود و مردم از مسیر قوانین الهی خارج نشوند. انجام این مسئولیت، گرچه ممکن است سبب نارضایتی برخی شود، اما چون نتیجه‌اش رستگاری مردم است، باید با قاطعیت پیگیری گردد.

۲) حفظ استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیگانگان: کشورهای بیگانه، به خصوص قدرت‌های بزرگ، همواره در صدد سلطه بر کشورهای دیگر هستند و از روش‌های مختلف برای رسیدن به این هدف استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های آنان فشار اقتصادی و روانی است. رهبر با دعوت مردم به استقامت و پایداری و بستن راه‌های سلطه، تلاش می‌کند عزت و استقلال کشور از دست نرود.

۳) تصمیم‌گیری براساس مشورت: از آنجا که اداره یک جامعه و رهبری آن به سوی پیشرفت و عدالت و تعالی، با بهره‌گرفتن از اندیشه‌های اندیشمندان و متخصصان میسر است، رهبر باید با مشورت نخبگان تصمیم‌های لازم را بگیرد. امروزه در جامعه ما، علاوه بر اشخاص، نهادهای مختلفی هستند که به صورت پیوسته به رهبری مشورت می‌دهند، مانند: دولت، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی امنیت ملی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شورای عالی حوزه‌های علمیه.

۴) ساده‌زیستی: رهبر به دنبال توسعه مال و ثروت و تشکیل یک زندگی اشرافی و تجملاتی حتی از طریق مشروع نیست. گرچه امروزه زندگی اشرافی رؤسای جمهور و پادشاهان، از قبیل داشتن خانه‌های گران قیمت، استفاده از بهترین سرویس‌ها و مبلمان

در خانه، استراحت و تفریح در زیباترین سواحل و جزایر دنیا، داشتن ده‌ها خودروی شیک، برگزاری مهمانی‌های پرهزینه و شرکت در مجالس لهو، با هزینه شخصی یا با استفاده از اموال عمومی، یک امر عادی است، اما رهبر با الگو قرار دادن اولیای دین، همواره یک زندگی ساده را دنبال می‌کند.^۱



اسوهٔ پیشوایی؛ پیامبر اکرم ﷺ

(۱) اجرای عدالت: از اهداف حکومت اسلامی اجرای عدالت بود و ایشان در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید جامعه‌ای بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند. این اقدام پیامبر اکرم ﷺ در شرایطی انجام می‌گرفت که در جامعه آن روز حجاز و سایر کشورها، تبعیض و تفاوت طبقاتی یک قانون پذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت نمی‌کرد. آن حضرت، درآمد بیت‌المال را به تساوی میان عرب و غیرعرب تقسیم کرد با همهٔ بردباری و ملایمتی که در نادیده گرفتن حق شخصی خود داشت، در برابر ضایع شدن حقوق افراد جامعه می‌ایستاد و کوتاه نمی‌آمد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بودند، مجازات می‌کرد.

۱- به عنوان مثال در سال ۲۰۱۱ مراسم ازدواج نوهٔ ملکهٔ انگلیس با هزینه حدود ۲۰ میلیون پوند برگزار شد و این کشور به مدت چهار روز جهت هرچه باشکوه‌تر شدن این مراسم، تعطیل شد. این ازدواج، از جیب مالیات‌دهندگان این کشور تأمین شد. همچنین در سفر ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به عربستان، این کشور هدایایی مانند کشتی تفریحی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار، شمشیر طلای ۲۵ کیلوگرمی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار و ... به ترامپ هدیه کرد.

ایشان فرموده‌اند :

«اقوام و ملل پیشین بدین سبب دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می‌داشتند زیرا اگر فردی بزرگ از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می‌کرد وی را مجازات می‌کردند»^۱.

حضرت در جنگ‌هایی هم که پیش می‌آمد، حق و عدالت را کاملاً رعایت می‌کرد و یاران خود را موظف به رفتار عادلانه و انسانی می‌کرد و می‌فرمود :

«اگر کافری در جنگ کشته شد او را مثله نکنید، کودکان و پیران را نکشید، حیوانات حلال‌گوشت را نکشید مگر اینکه برای تغذیه به آن احتیاج داشته باشید. هرگز آب مشرکان را زهرآلود نکنید و مزارع و نخلستان‌ها را نسوزانید»^۲.

۲) محبت و مدارا با مردم : رفتار رسول خدا ﷺ با مردم به قدری محبت‌آمیز بود که مردم ایشان را پدر مهربان خود می‌دانستند و در سختی‌ها به ایشان پناه می‌بردند. معمولاً اطرافیان یک رهبر برای اینکه خود را به او نزدیک کنند، عیب دیگران را نزد او بازگو می‌کنند. رسول خدا به یاران خود می‌فرمود : بدی‌های یکدیگر را پیش من بازگو نکنید؛ زیرا دوست دارم با دلی پاک و خالی از کدورت با شما معاشرت کنم.

هرکس به خانه آن حضرت می‌رفت، به او احترام می‌کرد تا آنجا که گاهی ردای خود را زیر پای او پهن می‌کرد یا بر تشک خود می‌نشاند. هرگز در مقابل یارانش پای خود را دراز نمی‌کرد و سعی می‌کرد تا وقتی که آنها نشسته‌اند، در کنارشان باشد. اگر درباره آخرت حرف می‌زدند با آنان همراهی می‌کرد؛ اگر درباره خوردنی و آشامیدنی و سایر امور روزمره سخن می‌گفتند، برای اظهار مهربانی با آنان هم‌سخن می‌شد. گاهی در حضور پیامبر، شعر می‌خواندند یا از گذشته خود می‌گفتند. در همه این موارد، حضرت، آنان را منع نمی‌کرد، مگر اینکه کار حرامی از آنان سر می‌زد.

۱- ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۴، ص ۵۸.

۲- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۸.

۳) سخت‌کوشی و دلسوزی در هدایت مردم : پیامبر چنان علاقه‌مند به نجات مردم از گمراهی بود که خداوند درباره او خطاب به مسلمانان فرمود :

«رنج شما برای او سخت و دشوار است و بر [هدایت] شما حریص است»^۱.

ایشان با مهربانی و صبر و تحمل به هدایت مردم ادامه داد و گاه نزدیک بود از شدت غصه و اندوه فراوان از پا درآید، از این رو خداوند به او فرمود :

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

«از اینکه برخی ایمان نمی‌آورند شاید که جانت را [از شدت اندوه] از دست بدهی»^۲.

امام علی علیه السلام که در بیشتر این صحنه‌ها در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، بعدها درباره تلاش بی‌پایان پیامبر می‌فرمود :

«پیامبر یک طبیب سیار بود، [برخلاف سایر طبیبان] او خود به سراغ مردم می‌رفت، داروها و مرهم‌هایش را خودش آماده می‌کرد و ابزارهای طبابت را با خود می‌برد تا بر هر جا که نیاز داشته باشد بگذارد؛ بر دل‌های کور، بر گوش‌های کر، بر زبان‌های گنگ، او با داروهای خویش بیماران غفلت‌زده و سرگشته را رسیدگی و درمان می‌کرد»^۳.

آن حضرت سخنان کسانی را که اهل دلیل و برهان بودند با صبر و حوصله می‌شنید و هر قسمتی از سخن را که حق بود، تصدیق می‌نمود و در مورد قسمت باطل آن، به آرامی با مخاطبان استدلال می‌کرد.

۴) مبارزه با فقر و همدردی با فقیران : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دنبال بنای جامعه‌ای آباد و دور از فقر و محرومیت بود. به همین جهت مردم را به کار و فعالیت تشویق می‌کرد، از بیکاری بدش می‌آمد و کسانی را که فقط عبادت می‌کردند و کار نمی‌کردند، مذمت می‌کرد. در عین حال، فقیران را بسیار گرامی می‌داشت و نمی‌گذاشت که به خاطر فقر به

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۸ .

۲- سوره شعراء آیه ۳.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

آنها بی‌توجهی گردد و فراموش شوند. برخی از آنها دوست صمیمی ایشان محسوب می‌شدند. ثروت را ملاک برتری نمی‌شمرد. به آسانی با فقیرترین و محروم‌ترین مردم می‌نشست و صمیمانه با آنها گفت‌وگو می‌کرد. آنان نیز رسول خدا ﷺ را همدل و همراز خود می‌یافتند. آن حضرت به یاران خود می‌فرمود :

«به من ایمان نیاورده است کسی که شب را با شکم سیر بخوابد درحالی‌که همسایه‌اش گرسنه باشد».^۱

۵) برابری و اخوت اسلامی : رسول خدا ﷺ با ارزش‌های جاهلی مبارزه کرد. یکی از این ارزش‌ها، تعصب‌های قومی و نژادی بود. آن حضرت برتری عرب بر عجم را که از سنت‌های غلط جاهلی بود باطل کرد و هرگونه فخر و افتخار به این‌گونه مسائل را مذموم شمرد. ملاک وی در تقسیم‌بندی، تقوای انسان‌ها بود و سرلوحه کار آن حضرت این آیه شریفه بود :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ^۲

رسول خدا ﷺ در مدینه، حکومت اسلامی را بنا کرد و به طور طبیعی، افراد پیرامون وی بیشتر اهل مدینه و مکه بودند. اما اگر افرادی غیرعرب ایمان می‌آوردند و در جمع مؤمنان قرار می‌گرفتند عزت و شرافتی مانند دیگران می‌یافتند و متناسب با توانایی‌شان، مسئولیت می‌گرفتند.

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۸.

۲- سوره حجرات، آیه ۱۳.

- ۱ در رابطه با حکومت جمهوری اسلامی به سؤالات زیر پاسخ دهید :
 الف) هر یک از واژه‌های «اسلامی» و «جمهوری» به چه مطلبی اشاره دارند؟
 ب) ویژگی‌های «حکومت جمهوری اسلامی» را با سایر حکومت‌های جمهوری و دموکرات رایج در جهان مقایسه کنید.
- ۲ هر یک از احادیث زیر به کدام یک از سیره و روش‌های هدایتی پیامبر ﷺ اشاره دارد؟
 الف) اولین کسی که به جهنم می‌رود، فرمانروای قدرتمندی است که به عدالت رفتار نمی‌کند.
 ب) برای یتیم، چنان پدری مهربان باش و بدان که همان‌طور که کشت می‌کنی، درو خواهی کرد.
 ج) خداوند اقوام مرا پیامرز زیرا که ایشان نمی‌دانند (نادان هستند).
 د) غذا و طعامی بزرگ‌تر و پاکیزه‌تر از آنچه فرد با تلاش و بازوی خویش به دست آورده، نیست.
- ۳ هر یک از موارد زیر به کدام یک از وظایف رهبر نسبت به مردم اشاره دارند؟
 الف) تأکید رهبر انقلاب بر جلوگیری از واردات بی‌رویه
 ب) برگزاری سالانه نشست اساتید و دانشجویان با رهبر انقلاب
 ج) رهبر انقلاب: اگر از اسرائیل غلطی سر بزند، تل‌آویو و حیفا را با خاک یکسان خواهیم کرد.
 د) نام‌گذاری سال ۹۶ به سال «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل» توسط رهبر معظم انقلاب
 ه) سفارش رهبر انقلاب به احیای امر به معروف و نهی از منکر به عنوان «واجب فراموش‌شده»

هم اندیشی

نقاط ضعف و قوت نظام اسلامی ایران در شرایط کنونی چه اموری هستند؟ برای رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت چه پیشنهاداتی دارید؟

تحقیق کنید

در درس با نمونه‌هایی از روش رهبری پیامبر اکرم ﷺ آشنا شدید. نمونه‌های دیگری از شیوه رهبری ایشان را از منابع بیابید و در کلاس ارائه دهید.

ویژگی‌های حکومت اسلامی (۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام وظایف رهبر و مردم را در نظام اسلامی متقابل دانسته و انجام آنها را سبب ارزشمند شدن حق در جامعه معرفی کرده‌اند. در درس قبل با وظایف، ویژگی‌های حکومت اسلامی و مسئولیت‌های رهبر آشنا شدیم. در این درس به نقش مردم در نظام اسلامی و مسئولیت‌های ایشان در تعالی جامعه می‌پردازیم.



جایگاه مردم در نظام اسلامی

پیش از این گفتیم مردم‌سالاری یکی از ویژگی‌های نظام اسلامی است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

«بعد از این دوران [عصر امام معصوم]، آنجایی که یک شخص معینی به عنوان حاکم از طرف خدای متعال معین نشده است، در اینجا حاکم دارای دو رکن و پایه است: رکن اول، آمیخته بودن و آراسته بودن با ملاک‌ها و صفاتی که اسلام برای حاکم اسلامی معین کرده است. رکن دوم، قبول مردم و پذیرش مردم است. اگر مردم، آن حاکمی را – آن شخص را که دارای ملاک‌های حکومت است – شناختند و او را به حکومت نپذیرفتند، او حاکم نیست. اگر دو نفر که هر دو دارای این ملاک‌ها هستند، یکی از نظر مردم شناخته و پذیرفته شد، او حاکم است. پس قبول و پذیرش مردم شرط در حاکمیت است».^۱

و در جای دیگر می‌فرماید:

«یکی از اصول این است که هر نظامی که بر پایه [آراء] مردم بنیان‌گذاری نشده باشد، ماندنی نیست. مردم هستند که می‌توانند نظامی را به وجود آورند و پایداری بخشند».

نظام اسلامی نیز بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد و تداوم نمی‌یابد؛ بنابراین، دخالت و حمایت مردم شرط اولیه بقای نظام اسلامی است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«نظام، بدون حمایت، رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکاء به اراده مردم نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و دیگر انتخابات، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است».^۲

۱- اشاره به رکن مقبولیت از میان دو رکن مشروعیت و مقبولیت در رهبر و امام.

۲- سخنرانی در اجتماع زائران مرقده امام خمینی (ره)، ۱۴/۳/۱۳۸۰.

مسئولیت‌های مردم در نظام اسلامی

مسئولیت مردم در نظام اسلامی، با انتخاب رهبر تمام نمی‌شود، بلکه این انتخاب، اولین مسئولیت در سلسله مسئولیت‌های مسلمانان در نظام اسلامی است.

همان‌طور که بیان شد، رهبر جامعه اسلامی، رهبری کسانی را برعهده دارد که می‌خواهند راه رستگاری را در سایه قوانین اسلام پیمایند. در چنین جامعه‌ای، همان‌طور که مسئولیت رهبری با سایر رهبران متفاوت است، مردم نیز نگاهی متفاوت به رهبری دارند؛ رهبر برای آنان همان انسان پیشرویی است که با قدم گذاشتن در مسیر کمال و عدالت، سایر مردم را به پیمودن راه فرامی‌خواند. مردم نیز تلاش می‌کنند با همت و پشتکار خود وی را همراهی کنند و قافله سالار را، به خصوص در آنجا که سختی‌ها بروز می‌کنند، تنها نگذارند.

مسئولیت اساسی افراد جامعه، تلاش برای دوام نظام، رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی اجتماعی است. خوشبختانه تشکیل حکومت اسلامی در ایران عزیز با استقبال گسترده مردم و با رأی بالای تمام اقشار جامعه (اعم از مسلمان، مسیحی، یهودی و زرتشتی) همراه شده است. تداوم و پویایی آن نیز به حضور فعال و بانشاط یکایک مردم در تمام صحنه‌های زندگی



اجتماعی وابسته است. امروزه ولی فقیه، محور وحدت ملی، همبستگی اجتماعی و استقلال کشور است. تبعیت از ولی فقیه به معنای مشارکت در حفظ وحدت ملی و استقلال است و اختصاصی به مسلمانان ندارد. همه آنان که به این آب و خاک دل بسته‌اند و برای سربلندی و اعتلای آن می‌کوشند، باید از این محور دفاع کنند.

تاریخ زندگی انبیاء و امامان و تجربه انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که همواره مستکبران و زورگویان جهان با حکومتی که بخواهد مستقل باشد و مطابق با خواسته‌های آنان عمل نکند، مقابله می‌کنند تا بالاخره آن را از پا درآورند.

با توجه به نکات فوق، مردم نیز دارای مسئولیت‌هایی نسبت به رهبر هستند که برخی از آنان عبارت‌اند از:

- ۱) وحدت و همبستگی اجتماعی؛ همان‌طور که تفرقه و پراکندگی، به سرعت یک حکومت را از پای درمی‌آورد و سلطه‌گران را بر کشور مسلط می‌کند، همبستگی اجتماعی، کشور را قوی می‌کند و به رهبری امکان می‌دهد که برنامه‌های اسلامی را به اجرا درآورد.^۱
- ۲) استقامت و پایداری در برابر مشکلات؛ هر کشوری در مسیر رسیدن به استقلال و کمال با مشکلات بزرگ و کوچکی روبه‌رو می‌شود؛ همان‌گونه که کشور ما از ابتدای انقلاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته است، مردم باید با استقامت خود، فرصت و توان مقابله با مشکلات داخلی و خارجی را برای رهبر فراهم کنند.^۲



۱- سورة آل عمران، آیه ۳: ۱۰۳؛ سورة انفال، آیه ۴۶.

۲- سورة هود، آیه ۱۱۲.

۳) افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی؛ برای تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌های ستمگر دنیا، اطلاع از شرایط سیاسی و اجتماعی جهان، ضروری است. ما باید بتوانیم به گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را به مستکبران و نقشه‌های آنان بزنیم و خود کمترین آسیب را ببینیم. ناراحتی دشمنان از عمل ما یا خوشحالی و شادی آنان از رفتار ما، می‌تواند یکی از معیارهای درستی و نادرستی عملکردمان باشد.^۱

۴) مشارکت در نظارت همگانی؛ براساس فرمان خداوند، همه افراد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر مسئولند و مانند سوارشدگان در یک کشتی هستند. اگر گناهانی در جامعه رواج پیدا کند، فقط گناه کاران عذاب نمی‌شوند، همه کسانی که در برابر انجام گناه در جامعه سکوت کرده‌اند نیز باید پاسخگو باشند. بنابراین، همه ما باید ناظر فعالیت‌های اجتماعی باشیم و در صورت مشاهده گناه توسط هرکس، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با روش درست انجام دهیم. این مشارکت سبب می‌شود که رهبر، همه افراد جامعه را پشتیبان خود بیابد و هدایت جامعه به سمت وظایف اسلامی برای رهبر جامعه آسان‌تر شود.

۵) اولویت دادن به اهداف اجتماعی؛ در برخی موارد که اهداف و آرمان‌های اجتماعی در برابر منافع فردی قرار می‌گیرند، باید بتوانیم از منافع فردی خود بگذریم و برای اهداف اجتماعی تلاش کنیم. مثلاً خرید کالای ایرانی سبب می‌شود که کارخانه‌های داخلی به تولید خود ادامه دهند و مانع بیکاری صدها هزار کارگر شوند. همین عمل ما که به طور غیرمستقیم سبب کاهش بیکاری شده، کمک خوبی به حکومت و رهبری است که بتوانند در اداره جامعه موفق‌تر باشند.^۲

۶) خیرخواه و نصیحت‌گر رهبر باشند.

۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- بیشتر نکاتی که در این ۵ بند آمده، از عهدنامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر و خطبه‌های ۳۴ و ۱۰۷ نهج البلاغه استخراج شده است.



با نگاهی به تاریخ اسلام و وقایع دوران انقلاب و پس از آن، درمی‌یابیم که مشارکت و همکاری مردم و حمایت و پشتیبانی از رهبر، به‌خصوص در مواردی که از منافع فردی خود گذشته‌اند، منافع بزرگی را برای اسلام و کشور به ارمغان آورده است. یکی از این موارد، مجاهدانی هستند که امروزه به نام «مدافعان حرم» مشهور شده‌اند. اگر نگاهی به وضعیت کشورهای اسلامی در یک دههٔ اخیر بکنیم، می‌بینیم که در یک نقشهٔ طراحی‌شده توسط سازمان‌های اطلاعاتی کشورهای مستکبر، تمام جهان اسلام در دو قارهٔ آسیا و آفریقا، عرصهٔ تاخت‌وتاز تروریست‌ها شدند. این تروریست‌ها، به هر کار خلاف عقل و انسانیت دست یازیدند و سبب بدنامی مسلمانان و اسلام در دنیا شدند. آنان که با حوادث صد سال اخیر مستکبران آشنا هستند، می‌دانند که ظهور یک چنین پدیده‌ای با این گستردگی، با یک نقشهٔ از پیش طراحی‌شده و درازمدت امکان‌پذیر است. همچنین تحلیل‌گران واقع‌بین می‌دانند که هدف اصلی این پدیده، علاوه بر بدنام کردن نام مسلمانان در جهان، ناامن کردن کشور ایران نیز بود. در حالی که دو کشور عراق و سوریه به کانون اصلی تروریست‌ها تبدیل شده بود و بیم آن می‌رفت که کل این دو کشور به دست تروریست‌ها بیفتد، جوانمردان، زندگی و حیات خود را که بزرگ‌ترین منفعت فردی آنان بود، فدای حفظ امنیت و ناموس کشور کردند و نه تنها تروریست‌ها در آن کشورها را زمین‌گیر نمودند، بلکه به تدریج زمینهٔ فروپاشی سازمان مخوف آنها را فراهم ساختند.

وظیفه کارگزاران

کارگزاران، همان مدیران و مسئولان جامعه هستند که امروزه امور سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه را برعهده دارند. در واقع کارگزاران، یاران و کمک کنندگان به رهبر هستند و خادمان ملت. اگر کارگزاران جامعه، هم وظیفه خود را به درستی بشناسند و هم به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت روز به روز افزایش می یابد. همچنین عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش و انباشته شدن مشکلات و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

از این رو، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در زمان حکومت خود، وقتی که مالک اشتر نخعی را والی و استاندار سرزمین مصر کرد، دستورالعملی برای او نوشت تا براساس آن، مصر را مدیریت کند.^۱

امیرالمؤمنین در این نوشته که به «عهدنامه مالک اشتر» مشهور است، چنان حکیمانه و عالمانه مسئولیت کارگزاران را بیان کرده که هرکس، آن را مطالعه کند، به عظمت فکر و درایت امیرالمؤمنین در کشورداری پی می برد. ایشان، در این نامه، وقتی وظیفه ای را بیان می کند، علت آن را هم برای مالک توضیح می دهد. با مطالعه این عهدنامه می توانیم با وظایف کارگزاران حکومت اسلامی آشنا شویم. البته کارگزاران و مسئولان حکومت در زمان امیرالمؤمنین، همه مانند مالک نبودند، افراد متوسط و گاه خطاکارانی هم بودند که امیرالمؤمنین از عملکردشان ناراضی بود.



۱- اگرچه مالک به مصر نرسید و به دست یکی از جاسوسان معاویه به وسیله زهر مسموم و شهید شد، اما این نامه در تاریخ ماند.

۱ هر یک از موارد زیر به کدام یک از مسئولیت‌های مردم مربوط است؟

الف) شرکت مردم در راهپیمایی ۹ دی

ب) پیگیری مناظرات انتخاباتی

ج) تشکیل گروه‌های مردمی در حمایت از عفاف و حجاب

۲ بخش‌هایی از عهدنامهٔ مالک اشتر را که در اینجا آمده است، مطالعه کنید. سپس جدولی تنظیم نمایید که در یک ستون، مسئولیت‌ها و در ستون دیگر، علت آنها نوشته شود.

الف) دل خویش را نسبت به مردم، مهربان کن و با همه، دوست و مهربان باش؛ چرا که مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو و دسته‌ای دیگر در آفرینش همانند تو هستند.
ب) اگر مقام و قدرت، تو را دچار تکبر کرد، به بزرگی خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار، تو را از سرکشی نجات می‌دهد، تندروی، تو را فرو می‌نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی بازمی‌گرداند.

ج) کسانی را که از دیگران عیب‌جویی می‌کنند، از خود دور کن؛ زیرا بالاخره مردم عیب‌هایی دارند و مدیر جامعه باید بیش از همه در پنهان کردن آنها بکوشد.
د) در قبول و تصدیق سخن چین شتاب مکن؛ زیرا سخن‌چین در لباس نصیحت ظاهر می‌شود، اما خیانتکار است.

هـ) با ترسو مشورت نکن که در انجام دادن کارها، روحیهٔ تو را سست می‌کند.
و) هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا در این صورت، نیکوکاران به کار خیر، بی‌رغبت و بدکاران به کار بد، تشویق می‌شوند.

ز) عده‌ای افراد مورد اطمینان را انتخاب کن تا دربارهٔ وضع طبقات محروم تحقیق کنند و به تو گزارش دهند. سپس برای رفع مشکلات آنها عمل کن...، زیرا این گروه پیش از دیگران به عدالت نیازمندند.

شماره	وظیفه کارگزار	علت پیشنهاد آن وظیفه
الف
ب
ج
د
هـ
و
ز

